



Islamic Public Administration (IPA) Paradigm (1): Main Assumptions and Social and Political Foundations

Ali Mohammadi Bazargani ¹ | Hamid Mortazaniya ²

Research Paper

Received:
2024/02/10
Revised:
2024/02/10
Accepted:
2025/02/10
Published:
2024/02/10

ISSN: 2251-6980
E-ISSN: 2645-5234

Abstract

Realizing an Islamic government is one of the necessities facing the Islamic Republic system in the second phase of the revolution. This research aims to explain the main assumptions and social and political foundations of the Islamic Public Administration (IPA) Paradigm. Using the scoping review method, 95 works with a paradigmatic view of public administration were examined, and eight main paradigms were identified. Then, through a meta-synthesis study, the paradigm-forming dimensions and components of public administration were designed in the form of three main dimensions, nine sub-dimensions, and 19 components. Subsequently, through deductive (modified) thematic analysis of the works of Imam Khamenei (may Allah protect him), the main assumptions and social and political foundations of the Islamic Public Administration (IPA) Paradigm were extracted and compared with conventional Anglo-American paradigms. The results show that this paradigm is based on monotheism in worldview, holistic approach in epistemology, human responsibility in anthropology, and revelatory rationality. Additionally, the formation of a monotheistic society as opposed to an ignorant society, the theory of right and wrong, the theory of guardianship, and the system of religious democracy (Islamic Republic) were identified as the social and political foundations of this paradigm. This research, by providing a theoretical framework for the Islamic Public Administration (IPA) Paradigm, paves the way for further studies in this field.

Keywords: Public Administration, Islamic Management, Paradigm, Imam Khamenei.

DOR:

1. Financial Management, Faculty of Management and Strategic Planning, Imam Hossein (AS) University, Tehran, Iran. Amb7011@gmail.com
2. Corresponding Author: Ph.D, Financial Management, Faculty of Management and Strategic Planning, Imam Hossein (AS) University, Tehran, Iran. Mortazaniya@ihu.ac.ir

This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the

Creative Commons Attribution Non-Commercial (CC-BY-NC) license.





مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۱/۱۲/۲۷
تاریخ بازنگری:
۱۴۰۲/۰۳/۲۱
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۲/۰۳/۲۱
تاریخ انتشار:
۱۴۰۲/۰۴/۱۴

شاپا چاپی: ۶۹۸۰-۲۲۵۱
الکترونیکی: ۵۲۳۴-۲۶۴۵

DOR:

مکتب مدیریت دولتی اسلامی (۱): مفروضات اصلی و مبانی اجتماعی و سیاسی

سید مهدی سیدطباطبایی^۱ | میثم لطیفی^{ID} | مرتضی جوانعلی آذر^{ID} | مصباح الهدی باقری^۴

چکیده

تحقق دولت اسلامی یکی از ضروریات پیش روی نظام جمهوری اسلامی در گام دوم انقلاب است. این پژوهش با هدف تبیین مفروضات اصلی و مبانی اجتماعی و سیاسی مکتب مدیریت دولتی اسلامی انجام شده است. با استفاده از روش مطالعه مروردامنه، ۹۵ اثر با نگاه پارادایمی به حوزه مدیریت دولتی بررسی و هشت پارادایم اصلی شناسایی شد. سپس با مطالعه فراترکیب، ابعاد و مؤلفه‌های مکتب‌ساز مدیریت دولتی در قالب سه بعد اصلی، نه بعد فرعی و ۱۹ مؤلفه طراحی گردید. در ادامه، با تحلیل مضمون قیاسی (تعدیل شده) آثار حضرت امام خامنه‌ای^{حفظه‌الله‌تعالی}، مفروضات اصلی و مبانی اجتماعی و سیاسی مکتب مدیریت دولتی اسلامی استخراج و با پارادایم‌های متعارف آنگلوامرکین مقایسه شد. نتایج نشان می‌دهد که این مکتب بر پایه توحید در جهان‌بینی، جامع‌نگری در معرفت‌شناسی، مسئولیت انسان در انسان‌شناسی، و عقلانیت و حیانی استوار است. همچنین، تشکیل جامعه توحیدی در مقابل جامعه جاهلی، نظریه حق و باطل، نظریه ولایت و نظام مردم‌سالاری دینی (جمهوری اسلامی) به عنوان مبانی اجتماعی و سیاسی این مکتب شناسایی شدند. این پژوهش با ارائه چارچوبی نظری برای مکتب مدیریت دولتی اسلامی، زمینه را برای مطالعات بیشتر در این حوزه فراهم می‌آورد.

کلیدواژه‌ها: مدیریت دولتی، مدیریت اسلامی، مکتب، پارادایم، امام خامنه‌ای

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری دانشگاه امام صادق علیه السلام؛ پژوهشگر دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام. smstabatabaei@isu.ac.ir
۲. دانشیار گروه مدیریت دولتی دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۳. استادیار گروه مدیریت دانشگاه امام صادق.
۴. استادیار دانشگاه امام صادق علیه السلام.

این مقاله یک مقاله با دسترسی آزاد است که تحت شرایط و ضوابط مجوز (CC BY-NC) Creative Commons Attribution Non-Commercial



توزیع شده است.

مقدمه

در دهه‌های اخیر، مطالعات مدیریت دولتی شاهد تحولات گسترده‌ای بوده است. ناکارآمدی پارادایم‌های مهم و مطرح سده قبل روشن تر گشته و اندیشمندان بسیاری در تکاپوی طراحی و ارائه پارادایم‌های نوینی هستند تا پاسخگوی چالش‌های پیچیده‌ی اداره‌ی امور عمومی باشند. با این حال، در جوامع اسلامی، مخصوصاً کشور عزیز جمهوری اسلامی ایران، نیاز به الگویی که بتواند اهداف و ارزش‌های اسلامی را با مباحث روزآمد مدیریت دولتی تلفیق کند، همواره احساس شده است. این پژوهش با هدف ارائه‌ی چارچوبی برای «مکتب مدیریت دولتی اسلامی» و مقایسه‌ی آن با پارادایم‌های متعارف، گامی در جهت پر کردن این خلأ علمی برمی‌دارد.

اهمیت این موضوع از آنجا ناشی می‌شود که دین مبین اسلام، به عنوان یک نظام جامع فکری و عملی، برنامه‌هایی برای تمام عرصه‌های زندگی انسان، از جمله مدیریت جامعه، ارائه می‌دهد. با این وجود، تبیین نظام‌مند این دیدگاه‌ها در قالب یک مکتب علمی مدیریت دولتی، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این پژوهش با تمرکز بر اندیشه‌های رهبران فکری انقلاب اسلامی، به ویژه حضرت امام خامنه‌ای حفظه‌الله‌تعالی، سعی در استخراج و تدوین اصول و مؤلفه‌های این مکتب دارد.

روش‌شناسی این پژوهش مبتنی بر فهم و تحلیل عمیق آثار و بیانات حضرت امام خامنه‌ای حفظه‌الله‌تعالی است. انتخاب ایشان به عنوان منبع اصلی پژوهش، به دلیل جامعیت دیدگاه‌های ایشان در حوزه‌ی نظر و عمل مدیریت دولتی است. تجربه‌ی ایشان در مناصب مختلف حکومتی، از مجلس شورای اسلامی تا ریاست جمهوری و زعامت رهبری نظام و امامت امت، همراه با تسلطی کم‌نظیر بر مبانی فقهی و کلامی اسلام، زمینه مناسبی برای ارائه‌ی الگویی جامع از مدیریت دولتی اسلامی فراهم می‌آورد.

سؤالات اصلی این پژوهش عبارتند از:

۱. مکاتب متعارف مدیریت دولتی کدامند و ابعاد و مؤلفه‌های اصلی هر یک چیست؟
۲. ابعاد و مؤلفه‌های مکتب مدیریت دولتی اسلامی، برآمده از اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی، کدامند و چه نسبتی با مکاتب متعارف دارند؟

۳. مکتب مدیریت دولتی اسلامی چه نوآوری‌ها و تمایزاتی نسبت به پارادایم‌های موجود ارائه می‌دهد؟

این پژوهش در پی آن است که با پاسخ به این سؤالات، ضمن ارائه‌ی چارچوبی منسجم برای مکتب مدیریت دولتی اسلامی، زمینه‌ی گفتگوی علمی میان این مکتب و سایر پارادایم‌های مدیریت دولتی را فراهم آورد. نتایج این پژوهش می‌تواند برای سیاست‌گذاران، مدیران دولتی و پژوهشگران حوزه‌ی مدیریت دولتی در جوامع اسلامی، به ویژه در زمینه‌ی طراحی و اجرای نظام‌های اداری منطبق با ارزش‌های اسلامی، راهگشا باشد.

مبانی نظری

مکتب علمی

وقتی بر نظریات مدیریت دولتی می‌نگریم، بسیاری از آنان را دارای پیش‌فرض‌هایی مشابه درباره‌ی دولت، سازمان، انسان، جامعه و جهان می‌یابیم؛ آن‌ها از یک زبان تخصصی و مشترک استفاده می‌کنند. چنین دسته‌بندی از نظریات و نظریه‌پردازان را معمولاً مکتب^۱، نهضت، سنت^۲، چارچوب^۳، پارادایم^۴، رویکرد^۵، دیدگاه^۶ یا حتی گاهی حوزه^۷ می‌نامند. البته این مفاهیم و مفاهیم مشابه آن اختلافات نظری ظریف و دقیقی دارند؛ لکن معمولاً بدون توجه به آن اختلافات و به صورت کلی استعمال می‌شوند. مثل (شفریتز^۸ و دیگران ۲۰۱۶ الف؛ هچ^۹ ۲۰۱۸). در پژوهش‌های داخلی نیز استعمال واژگانی یکسانی برای این مفهوم صورت نگرفته است. مثلاً دانایی‌فرد در کتابی واژه نهضت (دانایی‌فرد ۱۳۹۵ ج) و در مقاله‌ای واژه چارچوب (دانایی‌فرد ۱۳۹۵ الف) را برگزیده است؛ در حالی که نرگسیان (۱۳۸۷) و ابراهیم‌پور و سالارزهی (۱۳۹۱) از واژه پارادایم و شبه‌پارادایم استفاده کرده‌اند.

1. school
2. traditional
3. framework
4. paradigm
5. approach
6. view
7. era
8. Shafritz
9. Hatch

در این پژوهش، اصطلاح «مکتب» انتخاب شده است؛ زیرا از طرفی این مفهوم در ادبیات اندیشمندان مسلمان معاصر پرکاربردتر از دیگر اصطلاحات است (مانند: مطهری ۱۳۷۶؛ صدر ۱۴۲۱ ه.ق.؛ امام خامنه‌ای ۱۳۵۳ ج)، و از طرف دیگر به دلیل دقت نظری و شمولیت مفهومی در رسیدن به غرض پژوهش مناسب‌تر است.

علی‌رغم تعاریفی که از مکتب علمی ارائه شد، لکن همچنان ابهاماتی وجود دارد، زیرا هر مکتب را می‌توان از زوایا و جهات گوناگونی فهم و بررسی کرد. برای رفع این ابهام و افزایش دقت و اتقان پژوهش، لازم است جنبه‌ها و حیثیات علم مدنظر افزای و مشخص شود که در اصطلاح علمی به آن بُعد^۱ گفته می‌شود. همچنین، برای مشخص‌تر شدن و تحریر دقیق محل نزاع در بررسی هر بُعد از مبادی می‌توان مؤلفه‌های مختلف را احصاء نمود و سپس دلالت‌های دین‌مبین اسلام یا اندیشه‌های اسلام‌شناسان را در رابطه با این مؤلفه‌ها به دست آورد.

ابن سینا، فیلسوف شهیر مسلمان، مهم‌ترین ابعاد هر علمی را سه بُعد اصلی می‌داند: ا- مبادی، ب- موضوعات و ج- مسائل.^۲ توضیح آنکه، مبادی علم عبارت‌اند از مقدماتی که در علم مذکور، بر آن‌ها برهانی اقامه نمی‌شود و بدون استدلال، به عنوان اصل موضوع یا اصل متعارف، پذیرفته می‌شوند. موضوع علم، امری است که علم از احوال و ویژگی‌های آن بحث می‌کند. مسائل علم نیز به گزاره‌هایی گفته می‌شود که ناظر به موضوع علم هستند و به تعبیر فنی‌تر، محمولات آن گزاره‌ها اوصاف و ویژگی‌های^۳ مربوط به موضوع علم هستند. در واقع مبادی اموری‌اند که برهان از آن‌ها قوام می‌گیرد (منها البرهان)،^۴ موضوعات اموری‌اند که برهان بر آن‌ها اقامه می‌شود (علیها البرهان) و مسائل اموری‌اند که برهان برای آن‌ها اقامه می‌شود (لها البرهان). (ابن سینا ۱۴۰۴ ه.ق.)

1. Dimension

۲. وی در بیانی موجز ولی رسا این سه بعد را چنین تعریف می‌کند: «فالمبادئ منها البرهان، و المسائل لها البرهان و الموضوعات علیها البرهان» (ابن سینا، ۱۴۰۴ ق: ۱۵۶)

۳. در متن منطق شفاء، به جای عبارت اوصاف و ویژگی‌ها تعبیر «عوارض ذاتیه» ذکر شده است؛ اما برای شمول تعریف مذکور نسبت به علوم اعتباری، از تعبیر «اوصاف و ویژگی‌ها» استفاده شد.

۴. در واقع مبادی عبارت است از مجموعه‌ای از مفاهیم و گزاره‌ها که مبنای تعریف و استدلال‌آوری در خود علم می‌شوند ولی این گزاره‌ها در خود آن علم، قابل اصطیاد نیستند. به عنوان مثال، در رشته ریاضی از مفهوم خط و نقطه در هندسه استفاده می‌شود اما اینکه حقیقتاً نقطه و خط چه هستند در خود ریاضی بحث نمی‌شود بلکه ریاضی این‌ها را به عنوان پیش‌فرض قبول کرده و مطالب خود را بر آن بنا می‌کند.

مدیریت دولتی

در مورد علم مدیریت دولتی تا کنون تعاریف گوناگونی ارائه شده است، پیش‌برد مدیریت و خط‌مشی‌ها به گونه‌ای که حکومت بتواند ایفای نقش کند (رابین^۱ و دیگران^۲ ۲۰۰۷)، مدیریت برنامه‌های عمومی (دنهارت و دنهارت^۳ ۲۰۰۹)، ترجمان خط‌مشی‌ها به واقعیتی که شهروندان هرروزه می‌بینند (کتل و فسler^۴ ۲۰۰۹)، مطالعه‌ی تصمیم‌گیری‌های دولت، تحلیل خط‌مشی‌ها، ورودی‌های گوناگونی که آن‌ها را تولید کرده‌اند، و ورودی‌هایی که برای تولید خط‌مشی‌های جایگزین لازم هستند (مک‌کینی و هووار^۵ ۱۹۹۸)، و اداره امور عمومی دقیقاً با سازماندهی خط‌مشی‌ها و برنامه‌های دولت و نیز رفتار مسئولانی (معمولاً غیرمنتخب) سروکار دارد که بطور رسمی پاسخگوی عملکردشان هستند (سازمان ملل^۶ ۲۰۰۶). اما حقیقت آن است که هر تعریفی به زاویه دید و مبادی پذیرفته شده واضح تعریف بستگی دارد، از همین رو شفریتز در فصل اول کتاب خود حدود بیست تعریف را از منظرهای سیاسی، حقوقی، مدیریتی و شغلی ارائه می‌دهد. (شفریتز^۷ و دیگران ۲۰۱۶ ب). همانطور که مشاهده می‌شود، تعاریف متعددی از مدیریت دولتی وجود دارد که هر کدام بر جنبه‌ای خاص از این حوزه تاکید دارند، اما بهتر آن است که تعریف از مدیریت دولتی تا روشن شدن مبادی مکتب مدیریت دولتی مد نظر به تعویق انداخته شود و صرفاً نوع نگاه مکاتب مختلف به این رشته علمی مورد بحث قرار گیرد.

مکاتب مدیریت دولتی

در مورد انواع مکاتب مدیریت دولتی، یک طبقه‌بندی کاملاً قطعی و مورد اجماع همه صاحب‌نظران وجود ندارد، اما گذر زمان و مذاقه‌های بیش‌تر در رویکردهای مدیریت دولتی بسیاری از متفکرین مدیریت دولتی را به این نتیجه رسانده است که مکاتب اصلی مدیریت دولتی را در سه عنوان کلی طبقه‌بندی کنند: مدیریت دولتی سنتی^۸، مدیریت دولتی نوین^۹ و خدمات عمومی نوین^۹

1. Rabin
2. Denhardt and Denhardt
3. Kettl and Fesler
4. McKinney and Howard
5. United Nations
6. Shafritz
7. Old Public Administration
8. New Public Management
9. New Public Service

(یا حکمرانی عمومی نوین^۱، یا مدیریت دولتی پسانوین^۲). (هود^۳؛ افلین^۴؛ پیترز^۵؛ ۲۰۰۳؛ رایتر و کلنک^۶؛ ۲۰۱۸؛ راینسون^۷؛ ۲۰۱۵؛ ویزل و مودل^۸؛ ۲۰۱۴؛ زو^۹ و دیگران ۲۰۱۵؛ کپنجان^{۱۰}؛ ۲۰۱۵/۲۷/۶؛ ازبورن^{۱۱}؛ ۲۰۰۶) البته تقسیم‌بندی‌های دیگری نیز وجود دارد، و برخی نویسندگان مکاتب دیگری را نیز افزوده‌اند. لازم به ذکر است پس از انقلاب اسلامی ایران، در مورد مکتب مدیریت دولتی اسلامی نیز پژوهش‌هایی صورت گرفته و دانایی فرد مکتب حاکمیت ارزش‌های دینی (دانایی فرد ۱۳۸۸) و رهنورد مکتب مدیریت ارزش متعالی (رهنورد ۱۳۸۹) را پیشنهاد داده‌اند.

پیشینه پژوهش

با یک مرور نظام‌مند، در مجموع تمامی مجلات چارک‌های اول تا چهارم حوزه مدیریت دولتی طبق نظام‌رتبه‌بندی SJR، همچنین پنج ناشر برتر حوزه مدیریت دولتی، یک پایگاه داده مرجع در این حوزه، دوازده ناشر دانشگاهی برتر جهان و آثار فارسی این حوزه مورد بررسی قرار گرفت. در مجموع جستجو ۱۰۳۶۸ اثر علمی مشتمل بر کلیدواژه‌های منتخب^{۱۲} به دست آمد. سپس با حذف مجلات نامرتبط، ۶۰۱۴ عنوان بررسی شد. در مرحله بعد متن کامل ۱۹۸ اثر مرور شد. نهایتاً ۹۵ اثر با نگاه پارادایمی به مدیریت دولتی به دست آمد. (سیدطباطبایی ۱۴۰۰)

دستاورد اول این مرور به دست آمدن یک گونه‌شناسی از آثار مدیریت دولتی با نگاه پارادایمی است. در این گونه‌شناسی تعدادی از آثار پارادایم جدیدی را وضع کرده‌اند یا از وجود آن خبر داده‌اند که با نام پیشگامان مدیریت دولتی معرفی شده‌اند. برخی از آثار به بسط نظری و

1. New Public Governance
2. Post New Public Management
3. Hood
4. O'Flynn
5. Peters
6. Reiter and Klenk
7. Robinson
8. Wiesel and Modell
9. XU
10. Koppenjan
11. Osborne

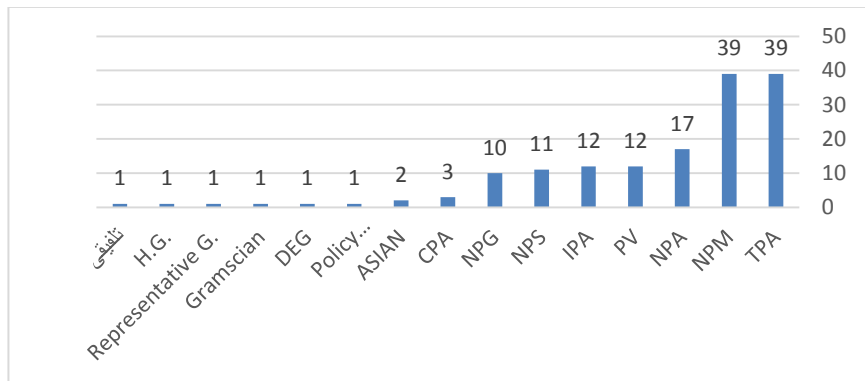
۱۲. در ابتدا جستجو با اصطلاحات علمی Public Administration, Public Management, Public Governance،

Public Value, Public Service و آغاز شد و در ادامه اصطلاحات Democratic Administration و Holistic

Governance هم اضافه گردید.

توسعه پارادایم‌های معرفی شده پرداخته‌اند یا مقدماتی نظری برای ایجاد آن را فراهم کرده‌اند که توسعه‌دهندگان مدیریت دولتی نامیده شده‌اند. نهایتاً نیز، دسته‌ای از آثار علمی به تحلیل فرانظری راجع به پارادایم‌های مدیریت دولتی پرداخته‌اند که خود شامل پنج دسته کلی هستند: ا- نفی و نقد تغییرات پارادایمی؛ ب- علت‌یابی و فلسفه تغییرات پارادایمی؛ ج- ساخت گونه‌شناسی جدید در حوزه پارادایم‌های مدیریت دولتی؛ د- مقایسه و تحلیل مؤلفه‌ای پارادایم‌ها و ه- نگاه و رویکرد بین‌رشته‌ای به پارادایم‌های مدیریت دولتی. (سیدطباطبایی ۱۴۰۰)

دستاورد دوم این مطالعه، جمع‌بندی نسبت به پارادایم‌های اصلی مدیریت دولتی است. مقالات به دست آمده در سه دسته کلی «فرانظریه پردازان مدیریت دولتی»، «پیشگامان مدیریت دولتی» و «توسعه‌دهندگان مدیریت دولتی» طبقه‌بندی شدند و مجموعاً ۱۵ عنوان پارادایم با ضریب تکرارهای متفاوت به دست آمد. براین اساس پارادایم‌هایی که بیشترین میزان تکرار را داشتند به ترتیب عبارتند از: ا- اداره امور عمومی سنتی، ب- مدیریت دولتی نوین، ج- اداره امور عمومی نوین، د- مدیریت ارزش عمومی، ه- مدیریت دولتی اسلامی، و- خدمات عمومی نوین و ز- حکمرانی عمومی نوین. (نمودار ۱)



نمودار ۱. پارادایم‌های اصلی مدیریت دولتی بر اساس منابع منتخب

با توجه به تعداد زیاد پارادایم‌ها و هم‌سنخ نبودن آن‌ها، با بحث و بررسی دقیق پارادایم‌های به دست آمده و با تشکیل گروه کانونی از اساتید حوزه مطالعات فلسفی و پارادایمی مدیریت دولتی، نهایتاً در پاسخ به سوال اول، هشت پارادایم به عنوان مهم‌ترین پارادایم‌های متعارف حوزه مدیریت دولتی تشخیص داده شد.

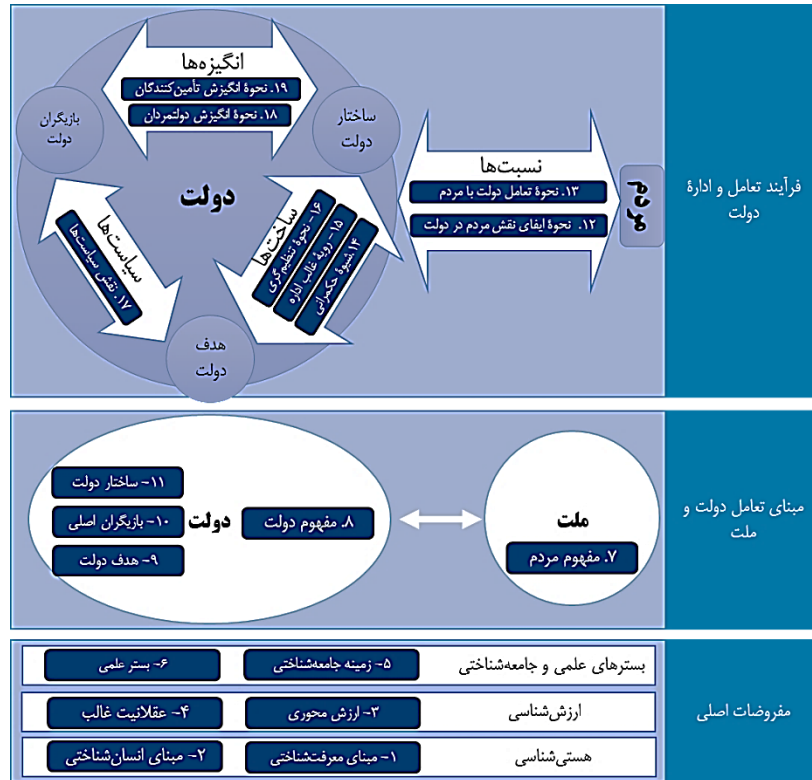
جدول ۱. فهرست هشت پارادایم اصلی مدیریت دولتی منتخب در پژوهش

نام پارادایم		نام پارادایم	
۱	مدیریت دولتی سنتی	۵	مدیریت دولتی جدید
۲	اداره عمومی جدید	۶	خدمات عمومی جدید
۳	خصوصی سازی	۷	مدیریت ارزش عمومی
۴	اداره دموکراتیک	۸	حکمرانی (کل گرا / جدید)

سومین دستاورد مهم این مطالعه نیز زمینه سازی برای مطالعه ای فراترکیب جهت شناسایی ابعاد و مؤلفه های اصلی مکاتب مدیریت دولتی است. بدین ترتیب، با تمرکز بر منابعی که صراحتاً به مقایسه پارادایم ها در مؤلفه های مشخص پرداخته بودند^۱ در مرحله اول ۴۴ مؤلفه مقایسه پذیر به دست آمد. سپس با توجه به اینکه زاویه دید مقالات مختلف نسبت به این مؤلفه ها متفاوت بود، این مؤلفه ها به دقت تعریف شدند و مؤلفه های غیر مرتبط حذف، مؤلفه های مشابه ادغام و برخی از مؤلفه های مرگب افزاز شده تا در مجموع ۱۹ مؤلفه یکدست به دست بیاید. سپس با تشکیل گروه کانونی مؤلفه های به دست آمده در نه بعدفرعی و سه بُعد اصلی طبقه بندی شد.^۲ (نمودار ۲)

۱. اما با بررسی آثار، چنین به دست آمد که نسبت مقالات در پرداختن به برخی از ابعاد و مؤلفه ها یکسان نیست و طیفی را تشکیل می دهند: برخی دیگر نیز به صورت کلی به مطالعات فرانظری پارادایم های مدیریت دولتی پرداخته اند و اشاره ای به بُعد و مؤلفه ای در این زمینه نکرده اند؛ برخی از آثار به صورت ضمنی به ابعاد و مؤلفه های پارادایم های مدیریت دولتی پرداخته اند؛ و بالاخره برخی از آثار صراحتاً با ابعاد و مؤلفه هایی به مقایسه پارادایم های مدیریت دولتی پرداخته اند؛ (۱۳ اثر) که همین دسته اخیر به عنوان منبع اصلی برای مطالعه فراترکیب قرار گرفت.

۲. ر.ک.: سیدطباطبایی (۱۴۰۰)



نمودار ۲. ابعاد و مؤلفه‌های مکاتب مدیریت دولتی بر اساس فراترکیب مقالات (سیدطباطبایی ۱۴۰۰)

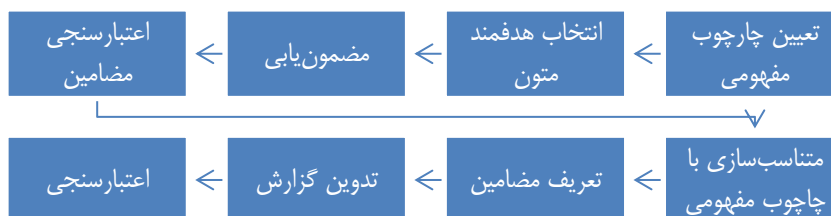
روش پژوهش

برای پاسخ به سؤال دوم پژوهش^۱ بایستی متن بیانات و مکتوبات رهبر معظم انقلاب اسلامی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد، پس روش مناسب را بایستی از بین انواع روش‌های کیفی به دست آورد. از آنجا که اولاً هدف یافتن مفاهیم است و نه نظریه‌سازی، ثانیاً یافتن عین واژه‌ها مهم نیست، بلکه بایستی مضامین آن‌ها یافت شود و ثالثاً اغلب مؤلفه‌های مورد جستجو در سؤال پیشین استخراج شده‌اند، روش تحلیل مضمون قیاسی^۲ به عنوان روش پژوهش مناسب این سؤال انتخاب گردید. البته جهت پیشگیری از تحمیل نظریات مکاتب غربی به منویات حضرت امام

۱. با توجه به اینکه سؤال اول پژوهش با انجام چند مطالعه نظام‌مند در قسمت پیشینه پژوهش به اختصار پاسخ داده شد، قسمت روش تحقیق این مقاله به روش منتخب برای پاسخ به سؤال دوم پژوهش اختصاص دارد.

2. Deductive thematic analysis

خامنه‌ای حفظه‌الله تعالی و استفاده هرچه بیشتر از دلالت‌های موجود در فرمایشات و مکتوبات ایشان، اولاً روش تحلیل مضمون براون و کلارک^۱ (۲۰۰۶) با پیشهادهای اشیری (۱۳۹۷) تعدیل شد و نهایتاً از روش دلالت پژوهی به عنوان روش مکمل در واکاوی مؤلفه‌های مکتب مدیریت دولتی اسلامی استفاده شد. (دانایی فرد ۱۳۹۵ ب) بنابراین، شیوه جمع‌آوری و رویه تحلیل داده اختصاصی این پژوهش، که با بومی‌سازی سه الگوی براون و کلارک (۲۰۰۶)، اشیری (اشیری ۱۳۹۷) و دانایی فرد (۱۳۹۵ ب) فرآیندی هشت مرحله‌ای به دست آمد که در نمودار ۳ ترسیم شده است.



نمودار ۳. فرآیند پاسخ به سؤال پژوهش مبتنی بر دو راهبرد تحلیل مضمون قیاسی و دلالت پژوهی (سیدطباطبایی ۱۴۰۰)

تعیین چارچوب مفهومی

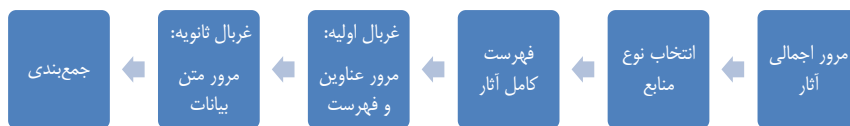
از آنجا که منطق اصلی پژوهش در پاسخ به سؤال منطق قیاسی (نظام‌مند) است، بنابراین پیش از رجوع به منبع مورد مطالعه بایستی این چارچوب تعیین شود. در واقع سؤال اول پژوهش عهده‌دار تعیین این چارچوب بوده است. بنابراین، چارچوب مفهومی پژوهش ابعاد سه‌گانه و مؤلفه‌های نوزده‌گانه‌ای است که در نمودار ۲ ترسیم شد.

از طرف دیگر، با توجه به اینکه در سطح کلان مکتب (پارادایم کلان) مکتب اسلام ناب محمدی ﷺ اختلافی ذاتی با مکتب مادی غرب دارد؛ انتظار اینکه مکاتب مدیریت دولتی این دو نگاه نیز، اختلافاتی اساسی داشته باشند اصلاً دور از انتظار نیست. بنابراین صرف تحلیل قیاسی ممکن است به خوبی مبین مکتب مدیریت دولتی اسلامی نباشد. بر همین اساس بود که در روش‌شناسی، در کنار رویکرد قیاسی استفاده از رویکردی اصطیادی نیز ضروری یافت. بنابراین چارچوب مفهومی مفروض این پژوهش همان چارچوب مطرح شده در نمودار ۲ است و سعی شده است تا حد امکان به تمام مؤلفه‌ها پاسخ داده شود؛ اما اضافه شدن یک یا چند مؤلفه و حتی بعد، یا جابجایی و تغییر بین مؤلفه‌ها دور از انتظار نیست.

1. Braun and Clarke

انتخاب هدفمند متون

این مرحله، که براون و کلارک (۲۰۰۶) از آن با عنوان آشنایی با داده‌ها و دانایی فرد (۱۳۹۵ب) با اصطلاح نمونه‌گیری نظری یاد کرده‌اند، معمولاً در پژوهش‌های مبتنی بر تحلیل مضمون به صورت جستجوی کلیدواژه‌ای انجام می‌شود. اما این شیوه به خاطر تقطیع متن و مقام‌های متفاوت بیان، آسیب‌پذیر است. بنابراین، همان‌طور که اشیری (۱۳۹۷) با لحاظ ملاحظات اصولی به مقام بیان توجه کرده، در این پژوهش متون به صورت هدفمند انتخاب شدند؛ یعنی با مرور کامل آثار معظّم‌له، آثار مرتبط با سؤال پژوهش (نمودار ۴) به صورت هدفمند برگزیده شدند و پاسخ به سؤال بر این مبنا تدوین گردید.



نمودار ۴. فرایند انتخاب هدفمند متون از آثار امام خامنه‌ای حفظه‌الله تعالی

مرور اجمالی آثار

برای اطمینان از کمیت و کیفیت لازم جهت اتخاذ شیوه انتخاب هدفمند متون، آثار مرتبط با اندیشه حکومتی حضرت امام خامنه‌ای حفظه‌الله تعالی در حوزه‌های مختلف مرور اجمالی شد. این حوزه‌ها شامل معارف اسلامی (۴ دسته اصلی و ۲۸ اثر)، انقلاب اسلامی (۳ دسته اصلی و ۱۳ اثر)، اندیشه سیاسی اسلام (۲ دسته اصلی و ۹ اثر)، دانش مدیریت (۴ دسته اصلی و ۱۱ اثر) و زیرشاخه‌های مدیریت دولتی (۲ دسته اصلی و ۱۱ اثر) بودند.

انتخاب نوع منابع

منابعی که به اندیشه حضرت امام خامنه‌ای حفظه‌الله تعالی پرداخته‌اند را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد. (نمودار ۵)

منابع دست اول

- آثاری که مستقیماً توسط معظم‌له به رشته تحریر درآمده است
- بیانات و فرمایشاتی که بدون دخالت و کم و کاست مکتوب شده و در اختیار دیگران قرار گرفته است.

منابع دست دوم

- آثاری که بر پایه منابع دست اول شکل گرفته‌اند.

نمودار ۵. دسته‌بندی منابع مرتبط با اندیشه حضرت امام خامنه‌ای حفظه‌الله‌تعالی

با توجه به فراوانی و تنوع آثار، و همچنین با عنایت به اینکه این پژوهش، پژوهشی نو و جدید است و دقت و صحت برداشت‌ها اهمیت دارد، منابع دست اول به‌عنوان منابع اصلی پژوهش در نظر گرفته شدند و منابع دست دوم کنار گذارده شد.

تهیه فهرست کامل منابع دست اول موجود

با توجه به فراوانی کم‌نظیر آثار دست اول حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای حفظه‌الله‌تعالی و به جهت افزایش تمرکز و دقت در تهیه فهرست - و سپس غربال و انتخاب منابع - آثار معظم‌له به صورت تاریخی به سه دوره زمانی افراز شد. لازم به ذکر است با توجه به مشغله‌های فراوان اجرایی ایشان در تمامی این سه دوره و تأثیر آن بر آثار، این مهم در تفکیک مقاطع زمانی در نظر گرفته شده است. براین اساس، نقطه تمایز مقطع اول از دوم، پیروزی انقلاب اسلامی و متمایزکننده مقطع دوم از سوم، مسئولیت ایشان به‌عنوان رهبری انقلاب اسلامی در نظر گرفته شده است. (نمودار ۶)

مقطع اول: پیش از انقلاب اسلامی	مقطع دوم: از انقلاب اسلامی تا رهبری	مقطع سوم: پس از رهبری انقلاب اسلامی
<ul style="list-style-type: none"> • استاد فقه، اصول و تفسیر حوزه • مؤلف و مترجم کتب متعدد • خطیب نظریه‌پرداز انقلابی • تحلیل‌گر برجسته تاریخ اسلام • روشنفکر اسلامی • مبارز خستگی ناپذیر 	<ul style="list-style-type: none"> • مفسر قرآن کریم و نهج‌البلاغه • امام و خطیب جمعه پایتخت • دبیر کل حزب جمهوری اسلامی • نماینده مجلس شورای اسلامی • نماینده مجلس خبرگان رهبری • ریاست جمهوری اسلامی • رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام 	<ul style="list-style-type: none"> • قدرتمندترین رهبر جهان • ولی امر مسلمین جهان و امام امت اسلامی • مرجع تقلید شیعیان جهان • سیاستگذار جامعه اسلامی و راهبر تمدن نوین اسلامی • نظریه‌پرداز الگوی مردم‌سالاری دینی • فرمانده کل قوا در نظام جمهوری اسلامی

نمودار ۶. مقاطع زمانی حیات پربرکت و آثار حضرت امام خامنه‌ای حفظه‌الله‌تعالی

در دوره پیش از انقلاب، ۲۶ عنوان اثر تألیفی، ترجمه‌ای یا سخنرانی فهرست شد. در دوره پس از انقلاب تا پیش از رهبری، بیش از ۵۰ اثر در شش محور دسته‌بندی شد. برای دوران رهبری نیز، «آرشیو اقشاری» و «آرشیو مناسبتی» تارنمای دفتر حفظ و نشر آثار بررسی شد. به این ترتیب، فرایند انتخاب هدفمند متون با مرور اجمالی آثار، انتخاب نوع منابع، و تهیه فهرست کامل منابع دست اول موجود، پایه‌ریزی شد تا در مراحل بعدی غربال و انتخاب نهایی صورت گیرد.

مرور عناوین و فهرست‌ها و فرایند غربال اولیه منابع

پس از تهیه فهرست اولیه، غربالگری متون در دو مرحله انجام شد. ابتدا، با توجه به عنوان و فهرست مطالب، و در صورت لزوم، مرور اجمالی متن، آثار غیرمرتبط با موضوع پژوهش حذف شدند. برای مثال، با بررسی عناوین و فهرست کامل آثار ۲۶ گانه دوره پیش از انقلاب، تعداد این آثار به هفت اثر اجمالاً مرتبط کاهش یافت و در همین هفت اثر نیز، سرفصل‌های منتخب آن مشخص گردید. یا در دوره رهبری، بیانات مرتبط با موضوعات خاص (مانند پزشکی یا ورزش) کنار گذاشته شدند.

سپس با مرور فهرست ۴۲ گانه پیشخوان^۱های تارنمای دفتر حفظ و نشر آثار معظم‌له هفت پیشخوان مرتبط با موضوع پژوهش به فهرست فوق اضافه گردید.

مرور متن بیانات و فرایند غربال ثانویه منابع

در این مرحله، متون باقی‌مانده از غربال اولیه، با دقت بیشتری بررسی شدند. این بار، علاوه بر عنوان و فهرست، متن کامل بیانات غربال شده در مرحله قبلی، به صورت دقیق مطالعه شدند. در نهایت، متونی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به اندیشه حکومتی حضرت امام خامنه‌ای^{حفظه‌الله‌تعالی} پرداخته بودند، برای تحلیل نهایی انتخاب شدند.

۱. پیشخوان عنوان صفحه‌ای در زیرمجموعه بخش بیانات تارنمای دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ایمدظله‌العالی است که برخی از موضوعاتی که مجموعه بیانات بیشتری را به خود اختصاص می‌دهد گردآوری کرده است. مزیت این دسته‌بندی آن است که فیش‌نگاری نشده است بلکه بیانات مختلف با توجه به موضوع طبقه‌بندی شده‌اند. در تاریخ جستجو (۱۳۹۹/۱۱/۱) ۴۲ پیشخوان موضوعی در سایت طبقه‌بندی شده بود.

در مقطع اول، بالغ بر ۴۰ سرفصل از شش اثر، کاملاً مرتبط تشخیص داده شد. در مقطع دوم بالغ بر ۴۵ سرفصل (یا سخنرانی) از چهارده اثر، کاملاً مرتبط با پژوهش تشخیص داده شد. در مقطع سوم نیز، نه مورد از آثار کاملاً مرتبط با سؤال پژوهش تشخیص داده شد، همچنین ۱۶۸ مورد از آثار نیز، با اینکه ارتباط کامل نداشت اما بندهایی از آن متون به سؤال دوم پژوهش مرتبط بود که در دسته دیگری قرار گرفت.

بدین ترتیب، فرایند غربالگری متون در دو مرحله (غربال اولیه و غربال نهایی) انجام شد تا از میان انبوه آثار موجود، تنها متون مرتبط با موضوع پژوهش برای تحلیل نهایی انتخاب شوند.

مضمون یابی

با مطالعه دقیق متونی که به صورت هدفمند انتخاب شدند، در این مرحله بایستی اولاً بندها و عباراتی که مرتبط با سؤال پژوهش هستند احصاء شوند [به تعبیر دانایی فرد (۱۳۹۵)ب]: احصای سهم یاری‌های ایژه دلالت پژوهی]؛ سپس با توجه به قیاسی بودن پژوهش نسبت به چارچوب مورد پذیرش طبقه‌بندی شوند [به تعبیر براون و کلارک (۲۰۰۶): تولید کدهای اولیه و جستجوی مضامین].

بر همین اساس تمامی آثار به دست آمده مطالعه شد، البته همان‌طور که در توضیحات سرفصل قبلی نیز بیان شد، برای افزودن غنای هر چه بیشتر به مباحث این مرحله در مسیر رفت و برگشت‌های فراونی با مرحله قبلی و چند مرحله بعدی قرار داشت. برای نمونه برخی از پیشخوان‌های دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای^{حفظه‌الله‌تعالی} - که مجموعه سخنرانی‌هایی با وحدت موضوعی را شامل می‌شود - به فهرست منابع اضافه شد.^۱ در مجموع فرایند مضمون‌یابی بیش از هزار فیش کاملاً مرتبط از بیانات و مکتوبات رهبر معظم انقلاب اسلامی استخراج و سپس با توجه به سؤال پژوهش کدگذاری‌های اولیه نسبت به این فیش‌ها انجام شد.

اعتبارسنجی مضامین

با توجه به اینکه جامعیت چارچوب مفهومی بستگی به غنی بودن کمی و کیفی ایده‌های کلیدی احصایی دارد. و از آنجا که -به دلایل توضیح داده شده- نوع مراجعه به متن در این

۱. پیشخوان‌های اضافه شده عبارتند از: الف) پیشرفت اسلامی ایرانی، ب) تمدن نوین اسلامی، ج) انقلاب کبیر اسلامی، د) نصاب کارگزاران، ه) امامت و ولایت، و) عدالت اجتماعی، ز) مردم‌سالاری دینی و ح) استکبارستیزی.

پژوهش به روش انتخاب هدفمند متون صورت گرفت؛ اتقان و در مقام بیان بودن معظم‌له اثبات شده بود؛ اما جامعیت و احصای تمامی ایده‌های کلیدی ایشان هنوز محل سؤال بود. بر همین اساس، در این مرحله اولاً مضامین به دست آمده از مرحله گذشته مرتب شد، ثانیاً با مرور دقیق مضامین و مراجعه به متن اصلی -در صورت لزوم- ایده‌ها و مضامین جدید احتمالی احصاء شد. سپس ده‌ها رفت و برگشت بین منابع در دسترس و مضامین مستخرج از مطالعات صورت گرفت. نتیجه این فرایند اضافه شدن بیش از هفتاد جستار^۱ -از جستارهای دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای^{حفظه‌الله‌تعالی}- و ده‌ها جستجوی کلیدواژه‌ای در این پایگاه بر خط بود، که مجموعاً بیش از شش هزار فیش را به فیش‌های به دست آمده اضافه کردند.

البته توضیح این نکته نیز ضروری است که سنخ فیش‌هایی که در این مرحله به دست آمد با فیش‌های قبلی متفاوت است و به منزله بر هم زدن فرایند انتخاب هدفمند متون نیست؛ بلکه با استفاده از این فیش‌ها بعضاً مضامین به دست آمده از مرحله قبلی تدقیق شد، بعضاً با تشابک شواهد مضامین به دست آمده یقینی شد، بعضاً ابعاد دیگری از آن مضمون -متناسب با مضامین دیگر- روشن شد و استفاده‌های دیگری که ذکر آن در این مقال نمی‌گنجد.

متناسب‌سازی با چارچوب مفهومی

در این مرحله -با توجه به قیاسی بودن روش پژوهش- تلاش شد تا انبوه مضامین به دست آمده در قابل چارچوب مفهومی پژوهش -ابعاد و مؤلفه‌های به دست آمده از پاسخ به سؤال اول پژوهش (نمودار ۲)- طبقه‌بندی شود. در فرایند انجام این مرحله چند نتیجه مهم به دست آمد:

- اولاً جامعیت بیانات معظم‌له در حوزه اداره امور عمومی به نحوی بود که چارچوب به دست آمده از مکاتب غربی را با نسبت بسیار بالایی پوشش می‌داد.
- ثانیاً غیر از پاسخ‌هایی که به سوالات به دست آمده از مؤلفه‌های مکاتب متعارف داده شد، تعداد ۱۵ مؤلفه به مؤلفه‌های نوزده‌گانه قبلی اضافه شد و در مجموع ۳۴ مؤلفه به دست آمد.

۱. برای مشاهده فهرست کامل جستارهای مورد بررسی قرارگرفته: رک.: (سیدطباطبایی ۱۴۰۰)

- همچنین تعداد ابعاد نیز تغییر کرد و بُعد مهم مبانی سیاسی اجتماعی مدیریت دولتی - که در مطالعات متعارف چیزی در آن مورد به دست نیامده بود^۱ - به ابعاد سه‌گانی قبلی اضافه شد.

تعریف مضامین

پس از مشخص شدن چارچوب نظری بحث، مضامین - و در صورت لزوم فیش‌های - به دست آمده در هر ۳۴ مؤلفه به طور جداگانه مرور شد و سعی شد بهترین و رساترین مفهومی که اولاً ظرفیت تبیین تمامی ابعاد و زوایای مطرح شده را داشته باشد، ثانیاً ترجیحاً خود مفهوم نیز در بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای حفظه‌الله تعالی استفاده شده باشد و ثالثاً در مقایسه با مضامین مطرح در مطالعات متعارف معنادار باشد انتخاب شود.

پس از انتخاب مفهوم کلیدی برای هر مؤلفه، تلاش شد تا از یک طرف این مفاهیم با استفاده از نظرات خود معظم‌له تعریف شود؛ ثانیاً ارتباط هر مفهوم با مفاهیم به دست آمده از مؤلفه‌های قبلی به خوبی تبیین شود؛ و از طرف سوم، با مراجعه به بیانات تفاوت‌های موجود در پاسخ به هر مؤلفه بین مکتب اسلام ناب و پارادایم‌های آنگلوامریکن - تا حد ممکن - آشکار گردد.

یافته‌های پژوهش

تحلیل عمیق اندیشه‌های حضرت امام خامنه‌ای حفظه‌الله تعالی در حوزه مکتب مدیریت دولتی، نه تنها به غنی‌سازی مؤلفه‌های شناسایی شده انجامید، بلکه منجر به بسط و توسعه قابل توجه چارچوب نظری مکتب مدیریت دولتی اسلامی گردید. این بسط نظری در ابعاد مختلف چارچوب نمود یافت و به شکل‌گیری الگویی جامع‌تر و منسجم‌تر از مکتب مدیریت دولتی اسلامی منتهی شد.

در بُعد مفروضات اصلی، افزوده شدن مؤلفه جهان‌بینی به بُعد فرعی هستی‌شناسی و مؤلفه نظام ارزشی به بُعد فرعی ارزش‌شناسی، عمق بیشتری به مبانی فلسفی این مکتب بخشید. این توسعه نشان

۱. علت آن است که این مبانی میان پارادایم‌های آنگلوامریکن مشترک است و در مطالعات متعارف غالباً بر تفاوت میان پارادایم‌ها تمرکز می‌شود.

می‌دهد که مکتب مدیریت دولتی اسلامی، فراتر از یک نظریه صرفاً کاربردی، دارای پشتوانه‌ای عمیق در حوزه فلسفه و جهان‌بینی است.

یکی از مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش، شناسایی و تبیین بُعد جدیدی تحت عنوان مبانی اجتماعی و سیاسی دولت است که پُل ارتباطی میان مفروضات اصلی و مبنای تعامل دولت و ملت را شکل می‌دهد. این بُعد که شامل چهار مؤلفه کلیدی نظریه پشتیبان فلسفه اخلاق، نظریه پشتیبان فلسفه اجتماع، ایدئولوژی سیاسی و نظام سیاسی است، خلأ موجود در ادبیات متعارف مدیریت دولتی را پر می‌کند و چارچوبی جامع برای درک عمیق‌تر ماهیت و کارکرد دولت در جامعه اسلامی ارائه می‌دهد.

تحول قابل توجه دیگر در بُعد مبنای تعامل دولت و ملت رخ داده است. بازتعریف مفاهیم دولت و ملت بر اساس رویکرد غایت‌مدار، منجر به درک عمیق‌تری از نقش و جایگاه هریک (امت و امامت) در مکتب مدیریت دولتی اسلامی شده است. افزوده شدن مؤلفه‌های آرمان جامعه و دشمنان جامعه به این بُعد، نشان‌دهنده نگاه جامع و واقع‌بینانه مکتب مدیریت دولتی اسلامی به چالش‌ها و اهداف پیش روی جامعه است.

در بُعد فرآیند تعامل مردم و دولت، تغییرات گسترده‌ای مشاهده می‌شود که ریشه در مفاهیم بنیادین همچون نظریه توحید، جامعه توحیدی، نگاه مسئولانه به انسان و نظریه ولایت دارد. تغییر بُعد فرعی نسبت‌ها به مسئولیت‌ها و افزایش مؤلفه‌های آن از دو به هفت مورد، نشان‌دهنده تأکید این مکتب بر مسئولیت‌پذیری متقابل دولت و ملت است. همچنین، توسعه و اصلاح مفهومی مؤلفه‌ها در بُعد فرعی سیاست‌ها، چارچوبی جامع‌تر برای درک و اجرای سیاست‌های عمومی در نظام اسلامی ارائه می‌دهد.

این یافته‌ها نشان می‌دهد که مکتب مدیریت دولتی اسلامی، ضمن بهره‌مندی از مفاهیم و اصول مدیریت دولتی متعارف، دارای نوآوری‌های قابل توجهی است که آن را از سایر مکاتب متمایز می‌سازد. این مکتب با ارائه چارچوبی منسجم و جامع، پیوندی عمیق میان مبانی فلسفی، اجتماعی و سیاسی با کارکردهای عملی مدیریت دولتی برقرار می‌کند و راهکارهایی نوین برای چالش‌های پیش روی نظام‌های اداری در جوامع اسلامی ارائه می‌دهد.

در ادامه این مقاله، مطابق با آنچه در مقدمه بیان شد، تمرکز اصلی بر تبیین و تحلیل مؤلفه‌های بُعد مفروضات و مبانی اجتماعی و سیاسی مکتب مدیریت دولتی اسلامی خواهد بود. این ابعاد که زیربنای نظری و فلسفی مکتب را تشکیل می‌دهند، به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار خواهند گرفت و تمایزات آن‌ها با مفاهیم متناظر در مکاتب متعارف مدیریت دولتی تبیین خواهد شد. سایر ابعاد و مؤلفه‌های شناسایی شده، از جمله مبنای تعامل دولت و ملت و فرآیند تعامل مردم و دولت، به دلیل اهمیت و گستردگی مباحث، در مقاله‌ای مستقل و مکمل با عنوان "مکتب مدیریت دولتی اسلامی (۲): موضوع اصلی دانش مدیریت دولتی و فرآیند تعامل مردم و دولت" به طور مفصل مورد واکاوی قرار خواهند گرفت. این رویکرد امکان بررسی عمیق‌تر و دقیق‌تر هر یک از ابعاد را فراهم می‌آورد و در عین حال، تصویری جامع از کلیت مکتب مدیریت دولتی اسلامی ارائه می‌دهد.

جدول ۲. مقایسه ابعاد و مؤلفه‌های مستخرج از ادبیات متعارف با ابعاد و مؤلفه‌های به دست آمده

بعد اصلی	بعد فرعی	مؤلفه	مؤلفه جدید (ایجاد / اصلاح)
مفروضات اصلی مدیریت دولتی	هستی‌شناسی	مبنای معرفت‌شناختی غالب	جهان‌بینی
		انسان‌شناسی	
		ارزش‌شناسی	نظام ارزشی
مفروضات اصلی مدیریت دولتی	بسترهای علمی و جامعه‌شناختی	بستر علمی	
		زمینه جامعه‌شناختی	
مبانی اجتماعی و سیاسی دولت	نظریه‌های پشتیبان فلسفه اخلاق و فلسفه اجتماعی	نظریه پشتیبان فلسفه اخلاق (فلسفه حقوق)	نظریه پشتیبان فلسفه اخلاق (فلسفه حقوق)
		نظریه پشتیبان فلسفه اجتماع	نظریه پشتیبان فلسفه اجتماع
مبانی تعامل	مفاهیم اساسی	ایدئولوژی سیاسی و نظام سیاسی	ایدئولوژی سیاسی نظام سیاسی
		نگاه به مردم	

جدول ۲. مقایسه ابعاد و مؤلفه‌های مستخرج از ادبیات متعارف با ابعاد و مؤلفه‌های به دست آمده

مؤلفه جدید (ایجاد / اصلاح)	مؤلفه	بعد فرعی	بعد اصلی
	نگاه به دولت		دولت و ملت (امت و امامت)
آرمان جامعه		ساختار دولت	
دشمنان جامعه			
هدف دولت			
بازیگران اصلی			
	ساختار دولت		
مسئولیت مشترک		نسبت‌ها (مسئولیت‌ها)	فرایند اداره و تعامل دولت و مردم
مسئولیت آحاد امت نسبت به تحقق آرمان‌ها			
مسئولیت دستگاه امامت نسبت به تحقق آرمان‌ها			
	نحوه تعامل دولت با مردم		
مسئولیت دستگاه امامت در قبال امت اسلامی			
مسئولیت امت در قبال دستگاه امامت	نحوه ایفای نقش مردم در دولت		
مسئولیت‌های درونی دستگاه امامت			
	نحوه انگیزش تأمین کنندگان منافع عامه		
نحوه انگیزش عموم مردم	نحوه انگیزش دولتمردان	انگیزه‌ها	
	نقش سیاست‌ها	سیاست‌ها	
نقش مجریان سیاست‌ها			
نقش مردم در تحقق سیاست‌ها		ساخت‌ها	
	شیوه حکمرانی		
	رویه غالب اداره		
نقطه ثقل فرایند اداره	نحوه تنظیم‌گری		

بعد مفروضات اصلی مدیریت دولتی

اساسی‌ترین عنصر بُعد مفروضات اصلی توحید است، که با معنای وسیع خود در جایگاه زیربنایی‌ترین مؤلفه این بعد - یعنی جهان‌بینی - قرار گرفته است و به وحدت‌بخشی و یکی‌کردن تمامی جهت‌گیری‌های بعدی منجر شده است. آنگاه، وقتی توحید در جایگاه معرفت‌شناسی قرار گیرد، همین یگانگی با مکتب حکمت متعالیه^۱ تحقق خواهد یافت و سپس در بُعد ارزشی، تحقق توحید در جامعه محوری‌ترین ارزش این مکتب خواهد شد. بر همین اساس، انقلاب توحیدی و شکستن نظام‌های جاهلانۀ حاکم بر جامعه، مهم‌ترین بستر مورد نیاز برای تحقق دولت اسلامی خواهد بود.

از طرف دیگر، پذیرش توحید در بُعد انسان‌شناسی اولاً انسان را هدفدار، مسئول و متعهد قرار می‌دهد - که این خود بزرگترین تکریم و ارزش برای انسان است. ثانیاً با نفی هرگونه تبعیض و نابرابری بین انسان‌ها زمینه را برای رشد انسان فراهم می‌کند. انسان در جامعه توحیدی با قطع غل‌وزنجیرهایی که پای عقل را بر زمین تثبیت کرده است، عقل را به وحی متصل کرده و آن را تا نامتناهی پرواز می‌دهند. مبتنی بر چنین عقل و حیانی و سالمی است که اجتهاد معنا پیدا می‌کند و انسان راه خود و جامعه خود را در زمان‌های مختلف و بر اساس شرایط مختلف به درستی تشخیص داده و عمل خواهد کرد.

بنابراین، در این بُعد علی‌رغم شش مؤلفه‌ای از مطالعه مکاتب آنگلوامریکن به دست آمده بود، دو مؤلفه جدید نیز به فهرست مؤلفه‌های آن اضافه شد که با توجه به ابتدای ابعاد و مؤلفه‌های آتی بر این مؤلفه‌ها مرور مجدد آن‌ها توصیه می‌شود.

همچنین، اشاره به جمله‌ای از حضرت آیت‌الله خامنه‌ای^{حفظه‌الله‌تعالی} در پایان این جمع‌بندی کوتاه خالی از لطف نیست:

اسلام سه کلمه است: ۱- توحید: با همه ابعاد سازنده‌اش؛ ۲- تکریم انسان: انسان را عزیز و ارزشمند شمردن؛ ۳- برابری و برادری میان انسان‌ها. (امام خامنه‌ای ۱۳۶۰)

۱. برای مطالعه بیشتر در خصوص این وحدت‌بخشی رجوع به نظریه وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت و نظریه حرکت جوهری توصیه می‌شود.

جدول ۳. مقایسه مکتب مدیریت دولتی اسلامی با مکاتب آنگلو امریکن در مؤلفه جهان بینی فلسفی

	مکتب مدیریت دولتی اسلامی							
	اداره عمومی سستی	اداره عمومی جدی	خصوصی سازی	اداره دموکراتیک	مدیریت عمومی جدید	مدیریت ارزش عمومی	خدمات عمومی جدید	حکمرانی (نوبین / کل گرا)
توحیدی	مادی و محدود							
جامع نگر	پوزیتیویسم	پست پوزیتیویسم	م	تفسیری عینی گرا	پوزیتیویسم سم ضعیف	تفسیری	پست مدرنیسم	تفسیری پست مدرن
محوریت انسان متصل به خدا (الهی و نامحدود)	اومانیسم (محوریت انسان مادی و محدود)							
	انسان اداری	انسان سیاسی	انسان منفعت طلب	انسان اجتماعی	انسان اقتصادی	انسان ارزش طلب	انسان آزاد	انسان مشارکتی و مسئول
	لیبرالیستی (سرمایه داری)							
اقامه دین (استقرار توحید در جامعه)	قانون	ارزش های حزبی	عملکرد اقتصادی	آزادی	حرفه ای گرایی	خلق ارزش عمومی	ارزش های مدنی	مشارکت / یکپارچه گی
عقلانیت کونه نگر قانونی	عقلانیت سیاسی	عقلانیت اقتصادی	عقلانیت جمعی	عقلانیت اقتصادی	عقلانیت صوری ارزشی	عقلانیت صوری ارزشی	عقلانیت صوری ارزشی	عقلانیت شبکه ای (کل نگر)
حقوق	علوم سیاسی	علوم اقتصادی	علوم اجتماعی (مدرن)	مدیریت اخلاق	علوم اجتماعی (پست مدرن)	علوم اجتماعی (پست مدرن)	علوم اجتماعی (پست مدرن)	اسلام شناسی (اجتهاد)
صنعتی ساز	رکود	بی اعتماد	بی اعتماد	شکست	مشکلات	مشکلات	مشکلات	انقلاب فناوریها

اسلامی	ی	شور؛	بازار،	ی به		ی به	بزرگ،	ی،	
(از جامعه)	اطلاعاتی	افزایش	دولت،	دولت		دولت	جنگ	شهرنشینی،	
جاهلی به	و	نابرابری؛ ...	بخش	بزرگ،		بزرگ،	جهانی	شرکت‌ها	
جامعه	ارتباطاتی		غیرانتفاع	اعتقاد به		اعتقاد به	دوم،	ی مدرن،	
(توحیدی)	پیشرفته...		ی و	بازارها، ...		بازارها، ...	اعتماد	...	
			شهروند				به دولت،		
			ی؛				...		

بعد مبانی سیاسی و اجتماعی دولت

وقتی ریشه و مفروضات یک مکتب به طور کلی با مکتب دیگری متفاوت است، علی القاعده تأثیر این تفاوت در سایر سطوح تحلیل نیز نمایانگر خواهد شد. بنابراین با توجه به اختلاف مبانی مفروضات مکتب اسلام ناب محمدی ﷺ با مفروضات مشترک یا نزدیک به هم در مکاتب آنگلو امریکن، احتمال وجود اختلافاتی در ابعاد بعدی بسیار طبیعی است.

پیش از ورود به بُعد مبانی تعامل دولت و ملت، با توجه به اینکه مکاتب مدیریت دولتی متعارف پیش فرض‌های اشاره نشده دیگری -مانند اینکه همگی بر نظریه دولت-ملت استوار شده‌اند (Stillman ۱۹۹۷)- نیز دارند، لازم است ابتدائاً در بحثی مقدماتی نگاه مکتب اسلام ناب محمدی ﷺ نسبت به مبانی تعامل دولت و ملت تبیین شود و سپس مؤلفه‌های اصلی این تعامل به بحث گذاشته شده است.

با پذیرش اینکه تفاوت‌های اساسی در مفروضات هستی‌شناختی و انسان‌شناختی، تأثیر مستقیمی در مباحث روبنایی نظریات علوم اجتماعی دارد؛ می‌توان ادعا کرد هرچه این تفاوت بیشتر، اختلاف جهت‌گیری‌های بعدی نیز بیشتر خواهد شد. توجه به این امر در پژوهش‌های تطبیقی تمدن مادی غرب و تمدن اسلامی بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا تفاوت بین جهان‌بینی مادی و محدود غرب و جهان‌بینی نامحدود و توحیدی اسلام، در بیشترین حد اختلاف قرار دارد.^۱

۱. وقتی در یک طرف مقایسه امری نامحدود و نامتناهی باشد اولاً امکان ندارد در طرف دیگر نیز امری نامحدود تصور شود (جمع دو نامحدود امکان‌پذیر نیست)، ثانیاً طرف محدود هر چقدر هم که بزرگ باشد، باز هم نسبت به نامحدود ناچیز، کوچک و ضعیف است، ثالثاً همین وجود ناچیز محدود نیز بایستی ذیل نامحدود تعریف شود و گرنه نامحدود را حد زده و به نوعی محدود کرده است که مخالف فرض است.

همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد،^۱ نظریه‌های پشتیبانِ مبنای تعامل دولت و ملت در اسلام، مبنائاً با نظریه‌های متعارف مکاتب آنگلوامریکن متفاوت هستند؛ بنابراین الگوی تحلیل تعامل دولت و ملت این مکاتبی نیز با یکدیگر متفاوت خواهد بود. بر همین اساس با مرور مؤلفه‌های چهارگانه بحث شده الگوی جدیدی برای تحلیل مؤلفه‌های بُعد مبنای تعامل دولت و ملت ارائه خواهد شد. جدول ۴. مقایسه مکتب مدیریت دولتی اسلامی با مکاتب آنگلوامریکن در مؤلفه‌های بُعد مبانی اجتماعی و سیاسی دولت

مکتب اسلام (حضرت امام خامنه‌ای)	مکاتب آنگلوامریکن							
	حکمرانی (نوبین / کل‌گرا)	خدمات عمومی جدید	مدیریت ارزش عمومی	مدیریت عمومی جدید	اداره دموکراتیک	خصوصی سازی	اداره عمومی جدی	اداره عمومی ستی
عدالت‌گرایی (نظریه حق و باطل)	نظریه پشتیبان فلسفه اخلاق (فلسفه حقوق) فضیلت‌گرایی (به معنای آزادی) / نظام تبعیت از هوای نفس							
جامعه توحیدی	نظریه پشتیبان فلسفه اجتماع جامعه جاهلی (نظام اجتماعی بی‌هدف، غیر مسئول، بی‌مسئول و سرگردان)							
نظام ولایت (امت و امامت)	ایدئولوژی سیاسی دولت-ملت							
جمهوری اسلامی (مردم‌سالاری دینی)	نظام سیاسی دموکراسی							

۱. بر اساس تفاوت جدی مکتب اسلام و مکاتب آنگلوامریکن در بُعد مفروضات.

همان‌طور که از جدول - مبتنی بر توضیحات داده شده- بر می‌آید، مکتب اسلام هم در مؤلفه فلسفه اخلاق، هم فلسفه اجتماع، هم ایدئولوژی سیاسی و هم نظام سیاسی با مکاتب آنگلوامریکن تمایز ذاتی دارد. بدین ترتیب اساساً نظام اجتماعی و سیاسی برخاسته از مکتب اسلام به کلی با نظام دولت-ملت یا هر نظام اجتماعی غیر توحیدی دیگری مجزاً و منفک خواهد بود.

بنابراین تفاوت ذاتی، پرواضح است که نمی‌توان مؤلفه‌های به دست آمده در بُعد مبانی تعامل دولت و ملت را در همان قالب و الگوی پارادایم‌های آنگلوامریکن تحلیل کرد؛ بلکه بستر بحث بایستی به الگویی بومی تغییر کند، که برآمده از مفروضات و نظام توحیدی است؛ همان‌گونه که الگوی دولت-ملت برآمده از نظام مشرکانه تبعیت از هوای نفس بود. با مرور مباحث مقدماتی گذشته چند گزاره مهم و مؤثر در طرح‌ریزی مؤلفه‌های این بُعد به دست می‌آید:

- ۱) بر اساس نظریه توحید -با تأکید بر انسان مسئول- جامعه اسلامی یک جامعه هدفمند و جهت‌دار است.
- ۲) بر اساس نظریه توحید -با تأکید بر نفی طبقات اجتماعی- همه جامعه در یک طبقه، یک سطح و یک جبهه تعریف می‌شوند و امام هم عضوی از امت است.
- ۳) بر اساس نظریه توحید -با تأکید بر نفی عبودیت غیر خدا- نه امام مکلف است خواسته‌های غیرخدایی امت را برآورده کند و نه می‌تواند بر اساس هوای نفس حکم کند.^۱ بلکه ملاک حکمرانی نظام حق است؛ هم امت و هم امام امت، مکلف به تبعیت و عبودیت خداوند متعال هستند که سعادت کل امت را تعیین می‌کند.
- ۴) بر اساس نظریه توحید -با تأکید بر نظریه ولایت- تمامی امت با یکدیگر و با امام - به‌عنوان قلب تپنده جامعه- ارتباط مستحکم و پیوستگی عمیقی دارند و بین آن‌ها مرزی نیست و تنها مرز این جامعه با سایر نظام‌های اجتماعی غیر توحیدی است.
- ۵) بر اساس نظریه توحید -با تأکید بر نظریه حق و نظریه ولایت- تنها موجودی که ممکن است از مسیر منطبق با فطرت خویش و سرشت عالم تخلف کند انسان است؛ بنابراین، از

۱. ما همه سرباز خدا هستیم ان‌شاءالله. نه تو سرباز منی، نه من سرباز تو. همه ما با هم قیام کردیم که اسلام را در اینجا زنده کنیم و ان‌شاءالله به سایر جاها هم صادر کنیم. ما همه برادر با هم هستیم. (امام خمینی ۱۳۶۹، ج ۱۳، ص ۳۳۵)

یک طرف حرکت جامعه توحیدی به سمت اهداف مقدّس خودش با معارضه‌ها و دشمنی‌هایی همراه است و از طرف دیگر جامعه توحیدی بایستی مرز خود را با آن جوامع جاهلی به طور مشخص تعیین کند.

با این توضیحات، ترسیم الگوی امت و امامت به صورت یک پیکان واحد تناسب بیشتری خواهد داشت، چون اولاً جهت‌داری نظام توحیدی را نشان می‌دهد و ثانیاً تفکیکی بین امت و امامت وجود نخواهد داشت؛ برخلاف الگوی دولت-ملت. بر همین اساس، پرداختن به مؤلفه دیگری با عنوان غایت حرکت جامعه در این بعد نیز ضرورت خواهد یافت.

همچنین مبتنی بر نظریه ولایت و نظریه حق، مؤلفه دشمن نیز در این الگو نیاز به توضیح پیدا می‌کند زیرا یکی از ارکان نظریه ولایت مرزبندی با دشمن بود زیرا بدون در نظر گرفتن آن ممکن است جامعه توحیدی در جوامع جاهلی حل و هضم شود.

یک مسئله دیگر ... مرزبندی با دشمن برای مصونیت از تهاجم نرم [است]. یکی از کارهای بسیار لازم همین است که ما نگذاریم مرزمان با دشمن کم‌رنگ بشود. مرزبندی با دشمن، اگر مرزبندی با دشمن نبود و مرز، برجسته نبود، عبور از این مرز - چه از این طرف به آن طرف، چه از آن طرف به این طرف - ممکن می‌شود. (امام خامنه‌ای ۱۳۹۷)

البته به واسطه نو بودن طرح این نظام اجتماعی، طبیعی است که ابهاماتی وجود داشته باشد، که سعی شده است این ابهامات با مقایسه با مکاتب مدیریت دولتی غرب و در مؤلفه‌های پنجگانه این بُعد توضیح داده شود.



نمودار ۶. مؤلفه‌های بُعد مبنای تعامل امام و امت (دولت و ملت) بر اساس الگوی اسلامی

در جمع‌بندی مؤلفه‌های این بعد باید گفت؛ مؤلفه‌های تعامل الگوی امت و امامت - مبتنی بر مباحث دو بعد پیشین - شامل چهار مفهوم جدید بود. مفهوم امت و امامت که جایگزین مفهوم

مردم و دولت شده بود و مفهوم آرمان و دشمنِ جامعه اسلامی که در مکاتب آنگلوامریکن سابقه نداشت. همچنین سه مؤلفه دیگر این بُعد یعنی هدف، ساختار و بازیگران اصلی دولت نیز مطابق با نظر رهبر معظم انقلاب اسلامی در دو ساحت حقیقی و حقوقی مورد بررسی قرار گرفت.

بعد مبنای تعامل دولت و ملت

همان‌طور که در بُعد قبلی بیان شد، از نظر رهبر معظم انقلاب اسلامی، سیاست فرع بر جامعه است؛ بر همین اساس مؤلفه‌های این بُعد از مفهوم امت شروع شد. امت حاوی ویژگی‌های منحصر به فردی در نگاه به مردم است: ۱- به معنای یک مجموعه به هم پیوسته هدفدار است؛ ۲- با بُعد مفروضات هماهنگی کامل دارد، برخاسته از نظریه انسان مسئول است؛ ۳- با بعد مبنای اجتماعی و سیاسی دولت هماهنگی کامل دارد، برخاسته از نظریه ولایت است؛ ۴- طرف مقابل دولت یا جدای از دولت نیستند، بلکه اداره کننده اصلی کشور خود مردمند.

بر همین اساس، نگاه اسلام به دولت چیزی غیر از مردم نیست؛ بلکه امت اسلامی برای حفظ پیوستگی، حفظ هویت (مرزبندی با دشمن) و حرکت متناسب و درست به سمت اهداف مد نظر نیاز به یک پیشوا و جلودار دارند که در اصطلاحات قرآنی به او، امام گفته می‌شود. توجه به چند نکته در مورد امامت نگاه اسلام به این جایگاه مهم را تدقیق می‌کند. ۱- امامت، تمامی عرصه‌های مهم زندگی را شامل می‌شود و امری صرفاً سیاسی نیست؛ ۲- امامت، اعتباری و انتصابی نیست؛ بلکه مبتنی بر حقایق عالم هستی است؛ هر کسی به هدف جامعه توحیدی نزدیک‌تر باشد و از جهات مختلف جلودار باشد، امام است. ۳- امامت، یک فرد نیست، بلکه تمامی افرادی که به شخص امام در انجام امور کمک می‌کنند دستگاه امامت را تشکیل می‌دهند.

بر اساس مباحث مطرح شده در همین دو مؤلفه پرواضح است که جامعه اسلامی آرمانی دارد که باید دنبال شود؛ اساساً جمع شدن امت، حول همین آرمان و انتخاب امام هم بر اساس شاخص‌های همین آرمان است. در مؤلفه آرمان جامعه اسلامی با طرح این بحث نهایتاً ایجاد تمدن نوین اسلامی به عنوان آرمان اصلی جامعه از نظر رهبر معظم انقلاب اسلامی انتخاب شده است. این مفهوم هماهنگی کاملی با مبنای هستی‌شناختی توحیدی و مبنای ارزش‌شناختی حاکمیت توحید (اسلام) دارد.

در مؤلفه دشمن‌جامعه اسلامی، با توجه به جدید بودن این مؤلفه در مطالعات مدیریت دولتی، به سه محور «ریشه وجود دشمن»، «انواع دشمن» و «نحوه مقابله با دشمن» پرداخته شد. بر اساس مباحث مطرح شده، ریشه وجود دشمن را بایستی در نظریه انسان مسئول جستجو کرد، زیرا مسئولیت انسان مستلزم وجود هدف و آزادی توأمان است و وجود همزمان این دو عامل، احتمال عدم تحقق هدف را نیز فعال می‌کند. بنابراین دشمن تراشیدنی نیست، بلکه وجود آن طبیعی است. سپس دو نوع دشمن درونی (هوای نفس) و بیرونی (طاغوت) و برخی از زیرمجموعه‌های این دو دسته مورد بحث قرار گرفت. در نهایت نیز راهبرد اسلامی جهاد به‌عنوان شیوه مقابله با دشمنان مطرح شد؛ جهاد اکبر در عدم تبعیت از هوای نفس، و جهاد کبیر در عدم تبعیت از طاغوت.

با توجه به مباحث مطرح شده، حرکت به سمت آرمان‌های جامعه اسلامی بر عهده امت اسلامی است. از همین رو هدف دستگاه امامت، در ساحت حقیقی امت‌سازی و تمهید آمادگی‌های لازم در حرکت امت است که این امر در ساحت حقوقی در دو هدف ملموس‌تر خلاصه می‌شود: ۱- خدمت همه‌جانبه به امت؛ ۲- جلب محبت و اعتماد امت. اولی به طور مستقیم در قدرت حرکت امت مؤثر است و دومی به طور غیرمستقیم و با تقویت هویت اسلامی امت حرکت در این مسیر را تقویت می‌کند.

بازیگران اصلی دولت اسلامی نیز، خود مردمند، آحاد مردم با ایمان به آرمان توحید، با آگاهی و بصیرت نسبت به هدف، با کار و تلاش در پیشبرد حرکت حکومت اسلامی، شخصیت حقیقی مردم. حتی در ساحت حقوقی نیز آنچه از ظاهر فرمایشات امام امت اسلامی برمی‌آید این است که سازوکارها بایستی به گونه‌ای باشد که شخصیت حقیقی مردم امکان حضور و نقش آفرینی داشته باشد.

در نهایت نیز، ساختار متمرکز اما توزیع شده، ساختاری است که می‌تواند هم مردمی بودن حکومت اسلامی و هم تحقق آرمان بلند توحید را تضمین کند. ساختاری که ریشه در نظریه ولایت و نظریه جمهوری اسلامی (مردم‌سالاری دینی) دارد.

جدول ۵. مقایسهٔ مکتب مدیریت دولتی اسلامی با مکاتب آنگلو امریکن با محوریت مؤلفه‌های بُعد مبنای تعامل امت و امامت								
مکتب اسلام (حضرت امام خامنه‌ای)	مکاتب آنگلو امریکن							
	حکمرانی (نوبین / کل‌گرا)	خدمات عمومی جدید	مدیریت ارزش عمومی	مدیریت عمومی جدید	ادارهٔ دموکراتیک	خصوصی سازی	ادارهٔ عمومی جدی	ادارهٔ عمومی ستی
نگاه به مردم	ارباب رجوع	موتکل	مشتری	مشتری	شهروند	مشتری	مشتری	ارباب رجوع
نگاه به دولت	مجری قانون	وکیل	کارفرما	وکیل (منتخب)	مدیر	ارزش آفرین	شریک یکپارچه‌ساز	امام (پیشوا، چلودار)
آرمان جامعه	---							
دشمنان جامعه	عدم موضوعیت							
دشمن درونی دشمن بیرونی								
هدف دولت	تأمین و توزیع کالای عمومی	سیاست عمومی	ارتقای کارایی بخش عمومی	تجلی بخشی به ارادهٔ عمومی	ارتقای کارایی و پاسخگویی	ارتقای ارزش (خواست عمومی)	صیانت از حقوق شهروندی	تحقق مشارکت عمومی و ارتقای سطح یکپارچگی
بازیگران اصلی	کارکنان دولت				خریداران و تولیدکنندگان ارباب رجوع و پیمانکار		رهبران مدنی (اجتماعی)	شخصیت حقیقی مردم
ساختار	متمرکز؛	متمرکز	متمرکز	نیمه	نیمه	نیمه	نیمه	غیرمتمرکز؛ متمرکز اما

جدول 5. مقایسهٔ مکتب مدیریت دولتی اسلامی با مکاتب آنگلوامریکن با محوریت مؤلفه‌های بُعد مبنای تعامل امت و امامت									
مکتب اسلام (حضرت امام خامنه‌ای)	مکاتب آنگلوامریکن							ادارهٔ عمومی ستی	ادارهٔ عمومی جدی
	حکمرانی (نوبین / کل‌گرا)	خدمات عمومی جدید	مدیریت ارزش عمومی	مدیریت عمومی جدید	ادارهٔ دموکراتیک ک	خصوصی سازی	ادارهٔ عمومی جدی		
توزیع شده؛ انسان‌ساز	فرآیندها و خروجی‌ها بین‌سازمانی	متمرکز	متمرکز؛ چندگانه	متمرکز؛ ورودی و خروجی	متمرکز		کز	فرآیندها (اجرای خط‌مشی (دولت

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بنابر آنچه به تفصیل در این مقاله بیان شد، مکتب مدیریت دولتی اسلامی (مبنتی بر مکتب اسلام ناب محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) اختلاف عمیقی با مکاتب آنگلوامریکن دارد. این اختلاف از بُعد مفروضات ریشه گرفته و به همین جهت تمامی ابعاد روبنایی تا بُعد فرایندها را نیز تحت تأثیر قرار داده است.

بُعد مفروضات مکتب اسلام ناب محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر جهان‌بینی توحیدی استوار است. اولاً هستی را صرفاً مادی و محدود نمی‌بیند بلکه جهان مادی بخش کوچکی از عالم خلقت است. ثانیاً جهان آفرینش را به صورت یک کل پیوسته، هماهنگ و دارای هدف واحد تعریف می‌کند. ثالثاً این تعریف فقط ذهنی نیست، بلکه در صحنهٔ اجتماعی نیز به معنای نفی عبودیت غیر خدا است که به نفی طبقات اجتماعی منجر می‌شود. بر همین اساس ارزش محوری این مکتب تحقق توحید در عرصهٔ اجتماعی یا حاکمیت توحید است. زمینه‌های اجتماعی تحقق و حاکمیت دینی نیز، با دگرگونی شالوده‌های بنیادین و زیربنایی نظام اجتماعی به سمت نظام توحیدی امکان‌پذیر است؛ که این دگرگونی در اندیشهٔ حضرت امام خامنه‌ای حَفْظَهُ اللهُ تَعَالَى انقلاب اسلامی نامیده شده است. از طرف دیگر، انسان نیز در این مکتب صرفاً مادی نیست، بلکه تجلی خداوند متعال است و بُعد غیرمادی او که بُعد اصیل اوست نامحدود و نامتناهی است. در تعریفی از حضرت آیت‌الله

خامنه‌ای حفظه‌الله تعالی می‌توان ویژگی‌های معرف انسان را به چهار ویژگی محدود کرد: قدرت آگاهی، قدرت انتخاب (آزادی)، قدرت نوآوری و نهایتاً مسئولیت. انسان با قدرت انتخاب و آزادی می‌تواند نظم عمومی، هماهنگی و توحیدی عالم را بر هم بزند. اما او موظف است به جای کفر، ناسپاسی و تخطی از نظم عالم، به توحید/ایمان بیاورد و ایمان دو رکن مهم دارد: ۱- آگاهی، ۲- تعهد عملی. بنابراین انسان موظف است با قدرت آگاهی، نسبت به حقیقت آگاهی پیدا کند؛ با قدرت انتخاب، حقیقت را انتخاب کند و با قدرت نوآوری مانع‌های موجود بر سر راه حقیقت را بردارد؛ در یک کلام یعنی انسان مسئول است. مسئولیت سنگین او غایی‌ترین هدف عالم خلقت است: فهم و تحقق توحید در وجود خود و جامعه. در این مکتب نوع انسان‌ها متکامل هستند و نه کامل، نقطه اتکای کمال ایشان نیز عقل و آگاهی - به عنوان زیربنای مسئولیت - است. از نظر حضرت امام خامنه‌ای حفظه‌الله تعالی عقل انسان با اتصال به منبع لایزال وحی الهی از محدودیت‌های هوس، غضب و شهوت رها شده، غل و زنجیر از پای او گشوده می‌شود و از اسارت و دفن‌شدگی در خاک و ماده نجات می‌یابد. بر این اساس، بستر علمی برای تدوین مکتب مدیریت دولتی، شناخت منطبق با حقیقت است. اصطلاح خاص/جتهاد در مکتب اسلام ناب به همین معناست، و ملتزم استفاده توأمان از داده‌های جهان اجتماعی و وحی است.

در بُعد دوم، با تسری مبانی هستی‌شناختی و انسان‌شناختی مکتب اسلام ناب محمدی ﷺ در فلسفه اخلاق و فلسفه حقوق نظریه‌حقی متولد خواهد شد. حق، به معنای نظام پیوسته و هدفدار عالم - هم در ساحت تکوین و هم در ساحت تشریح - است. بنابراین عالم از جمله نظام اجتماعی غایت‌مند و هدف‌دار است و اگر کسی در جهت هدف عالی عالم - یا حق - حرکت نکند باطل و محکوم به نابودی است. بنابراین در فلسفه اجتماعی مکتب اسلام ناب محمدی ﷺ نیز جوامع به دو دسته تقسیم می‌شوند، جوامع باطل یا جاهلی و جامعه حق یا توحیدی. جوامع باطل جوامعی هستند که بی‌هدف و سرگرداند (ضاللت) و صرفاً همین زندگی چند روزه دنیای مادی را در نظر دارند؛ اما جامعه حق هدفمند است و با ایمان به خدای واحد مسئولیت تحقق آرمان توحید در عالم را پذیرفته است.

جامعه حق متشکل از انسان‌های مؤمن به توحید است یعنی انسان‌هایی که مسئولیت تحقق این مأموریت را پذیرفته‌اند. این انسان‌های آگاه و هم‌هدف، برای ادامه حیاتشان بایستی اولاً کاملاً

منسجم و هماهنگ باشند؛ زیرا در غیر این صورت لااقل به دو گروه تقسیم شده و سمت نابودی کشیده می‌شوند. ثانیاً بایستی مرز خود با جوامع باطل را به صورت پررنگ مشخص کنند و تحت تسلط آن‌ها قرار نگیرند؛ زیرا در این صورت نیز در آن جوامع حلّ یا هضم می‌شوند. ثالثاً بایستی در درون خود به نقطه متمرکزی متصل باشند که به کمک آن کانون بتوانند تمامی ظرفیت‌های داخلی خود را فعال کنند، پیوستگی خود را تقویت نمایند و در مقابل جوامع باطل بایستند. این ایدئولوژی سیاسی در مکتب اسلام ناب محمدی ﷺ نظام ولایت نامیده شده است. نظام ولایت به عنوان یک ایدئولوژی توحیدی، دوگانگی بین دولت و مردم را از بین می‌برد و نظام جایگزینی به نام الگوی امت و امامت به وجود می‌آورد. بر همین اساس نظام سیاسی مطلوب این مکتب، نظامی است که از یک طرف به دنبال هدف توحید باشد و از طرف دیگر کرامت مردم را به عنوان انسان مسئول در نظر بگیرد؛ از یک طرف اسلامی باشد و از طرف دیگر جمهوریت را در نظر بگیرد (جمهوری اسلامی)؛ از یک طرف دینی باشد و از طرف دیگر نقش آفرینی مردم در آن محوریت داشته باشد (مردم‌سالاری دینی).

رهاورد این الگوی جدید برای مکتب مدیریت دولتی اسلامی تولید مفاهیم جدید توحیدی و انسانی است. اصطلاح امت به معنای مجموعه انسان‌هایی است که در عین انسجام، هدف توحید و کرامت انسانی را با آگاهی و اختیار خود برگزیده‌اند و مسئولیتی بزرگ را قبول کرده‌اند؛ برخلاف ملت که رکن آن امری اعتباری مانند مرز جغرافیایی است. مفهوم امام (دستگاه امامت) فردی (افرادی) از میان خود امت است؛ اما نه هر کسی، بلکه آگاه‌ترین، مؤثرترین و در یک کلام مسئول‌ترین فرد. بر همین اساس، پیشوا و جلودار جامعه است، او بر مردم سلطه ندارد بلکه آحاد امت با اقتدای به وی، از دانش و مسئولیت او کمک گرفته، هم خود را رشد می‌دهند و هم با اختیار خودشان مسئولیت عظیمی که برعهده گرفته‌اند را انجام می‌دهند؛ بر خلاف دولت، که دستگاهی مسلط بر ملت است. از طرف دیگر، مسیر پیش روی این امت بلندترین آرمان‌های قابل فرض برای بشریت، یعنی توحید و تشکیل تمدن توحیدی است، آرمانی مقدس و نامتناهی. در نهایت نیز، در مسیر تحقق آرمان خداخواهی یا توحید، دشمنان و موانعی نیز وجود دارد، اعم از خودخواهی‌های درونی، یا خودخواهی‌های بیرونی. راه مقابله با دشمنان نیز جهاد نامیده می‌شود، جهاد اکبر برای مبارزه با دشمنان درونی و جهاد کبیر برای عدم تبعیت و مبارزه با دشمنان بیرونی.

این الگو برای دولت اسلامی دو ساحت حقیقی و حقوقی در نظر می‌گیرد. اما در هر دو ساحت، هدف دستگاه امامت، *امت‌سازی* و آماده کردن هر چه بهتر شرایط برای فعالیت آحاد انسان‌هاست. بازیگران و نقش‌آفرینان اصلی این الگو خود مردم با شخصیت حقیقی‌شان هستند، در مقابل بخش دولتی، خصوصی یا سوم که همگی نقش‌آفرینی انسان را بر مبنای شخصیت‌های حقوقی تحلیل کرده‌اند. بر همین اساس ساختار دستگاه امامت نیز، در عین تمرکز - که شرط لازم برای دستیابی به هدف است - توزیع شده است، تا ضمن پیگیری تحقق آرمان بلند توحید، خلأ و فاصله‌ای بین امت و امامت نباشد.

با توجه به نتایج به دست آمده از این پژوهش، می‌توان گفت که مکتب مدیریت دولتی اسلامی، به ویژه در اندیشه‌های حضرت امام خامنه‌ای حفظه الله تعالی، دارای ظرفیت‌های گسترده‌ای برای تحول در نظام مدیریت دولتی کشور است. این مکتب با تکیه بر اصول اسلامی و نیازهای خاص جامعه ایرانی، می‌تواند به عنوان الگویی جامع و کارآمد در اداره امور عمومی مطرح شود. با این حال، برای تحقق این اهداف، نیاز به راهکارهای نظری و عملی وجود دارد که به طور خاص بر اساس یافته‌های این پژوهش تدوین شوند. در ادامه، پیشنهادهایی نظری و کاربردی ارائه می‌گردد که می‌تواند به غنای این مکتب و پیاده‌سازی مؤلفه‌های آن در سطوح مختلف مدیریتی کمک کند.

این پژوهش با تبیین مفروضات اصلی و مبانی اجتماعی-سیاسی مکتب مدیریت دولتی اسلامی، گامی در جهت تحقق دولت اسلامی در گام دوم انقلاب برداشته است. یافته‌های پژوهش، ضمن تأیید تمایزات بنیادین این مکتب با پارادایم‌های متعارف مدیریت دولتی، ضرورت توجه به ابعاد و مؤلفه‌های بومی و اسلامی را در طراحی و اجرای نظام‌های اداری مورد تأکید قرار می‌دهد. بر این اساس، پیشنهادهای زیر، با هدف بسط نظری و کاربردی این مکتب، ارائه می‌گردد:

الف) پیشنهادهای نظری

توسعه نظریه حکمرانی توحیدی: با توجه به نقش محوری توحید در جهان‌بینی اسلامی و تأثیر آن بر تمامی ابعاد مدیریت دولتی، پیشنهاد می‌شود نظریه حکمرانی توحیدی به عنوان چارچوبی جامع برای تبیین روابط دولت و ملت در نظام اسلامی گسترش یابد. این نظریه باید ضمن تبیین اصول و مبانی حکمرانی اسلامی، به چگونگی تحقق عدالت، آزادی و پیشرفت در

پرتو توحید بپردازد. (ادبیات پیشنهادی: مطالعه آثار اندیشمندان اسلامی معاصر در حوزه فلسفه سیاسی و کلام، به ویژه آثار مرتبط با نظریه ولایت فقیه و مردم‌سالاری دینی).

۱. **توسعه نظریه انسان مسئول:** با عنایت به جایگاه رفیع انسان در اندیشه اسلامی و نقش بی‌بدیل او در تحقق اهداف جامعه توحیدی، پیشنهاد می‌شود نظریه "انسان مسئول" به عنوان یکی از ارکان مکتب مدیریت دولتی اسلامی، مورد توجه ویژه قرار گیرد. این نظریه باید ضمن تبیین ابعاد گوناگون مسئولیت انسان در قبال خود، جامعه و خداوند، به ارائه راهکارهای عملی برای تقویت حس مسئولیت‌پذیری آحاد امت اسلامی بپردازد. (ادبیات پیشنهادی: مطالعه آیات و روایات مرتبط با مسئولیت انسان، بررسی آثار اندیشمندان اسلامی در حوزه اخلاق و تربیت، و تحلیل دیدگاه‌های حضرت امام خمینی (ره) و حضرت امام خامنه‌ای^{مدظله‌العالی} در خصوص نقش مردم در اداره جامعه).

۲. **بازتعریف مفهوم "عقلانیت" در مدیریت دولتی اسلامی:** یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که عقلانیت و حیانی، به عنوان مبنای تصمیم‌گیری در مکتب مدیریت دولتی اسلامی، تمایزات اساسی با عقلانیت ابزاری و عقلانیت صوری دارد. پیشنهاد می‌شود با بررسی دقیق منابع اسلامی و اندیشه‌های رهبران فکری انقلاب اسلامی، مفهوم عقلانیت و حیانی تبیین و شاخص‌های عملیاتی آن برای استفاده در فرآیندهای مدیریتی تدوین گردد. در این راستا، توجه به این نکته ضروری است که عقلانیت محدود در وهم، غضب یا شهوت، در تقابل با عقلانیت رشد یافته و متکامل در پرتو وحی قرار دارد. (ادبیات پیشنهادی: مراجعه به منابع اخلاقی اسلامی، به ویژه آثار مرتبط با تهذیب نفس و تزکیه، بررسی دیدگاه‌های اندیشمندان مسلمان در خصوص مراتب عقل و نقش آن در سعادت انسان، و تحلیل آثار حضرت امام خمینی (ره) در خصوص جنود عقل و جهل).

۳. **گسترش نظریه "جامعه توحیدی" در مقابل "جامعه جاهلی":** پژوهش نشان داد که مکتب مدیریت دولتی اسلامی بر پایه تشکیل جامعه توحیدی در مقابل جامعه جاهلی استوار است. پیشنهاد می‌شود این نظریه با تکیه بر آموزه‌های قرآنی و روایی، و با الهام از تراث موجود در حکمت عملی شیعه و ادبیات امامین انقلاب اسلامی، به صورت جامع و نظام‌مند توسعه یابد. در این نظریه باید ویژگی‌های جامعه توحیدی، مؤلفه‌های سازنده آن،

و راهکارهای مقابله با مظاهر جاهلیت، به ویژه نقد تمدن مدرن به عنوان مظهر جاهلیت مدرن، تبیین گردد. (ادبیات پیشنهادی: مطالعه آثار مرتبط با حکمت عملی شیعه، و دیدگاه حکمای بزرگ سابق و معاصر شیعه در خصوص ویژگی‌های جامعه توحیدی و راه‌های مقابله با تهاجم فرهنگی، و تحلیل انتقادی تمدن مدرن از منظر اندیشمندان مسلمان.)

۴. تحلیل تطبیقی “نظام ولایت” و “دولت-ملت”: با توجه به تمایزات اساسی نظام

ولایت با مفهوم دولت-ملت، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های تطبیقی گسترده‌ای در این زمینه انجام شود. این پژوهش‌ها باید ضمن تبیین نقاط قوت و ضعف هر یک از این نظام‌ها، به بررسی چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی نظام ولایت در دنیای معاصر بپردازند. در این راستا، تأکید بر یکی بودن دولت و ملت در نظریه ولایت یا نظریه امت و امامت، و به چالش کشیدن نظریه دولت-ملت با تأکید بر جدایی دولت از ملت، می‌تواند راهگشا باشد. (ادبیات پیشنهادی: مطالعه سیره اجتماعی و مبارزاتی انبیاء و اولیاء علیهم السلام، بررسی دیدگاه‌های اندیشمندان مسلمان در خصوص نظریه ولایت فقیه و حکومت اسلامی، و تحلیل انتقادی نظریه دولت-ملت از منظر اندیشمندان مسلمان.)

۵. بازتعریف و بازطراحی مفهوم “دولت” بر اساس مفهوم امامت: با توجه به اینکه

دولت در اندیشه اسلامی، تداوم و استمرار امامت است، پیشنهاد می‌شود مفهوم دولت بر اساس مفهوم امامت بازتعریف و بازطراحی شود. این بازطراحی باید با تأکید بر: ۱- غایت و کارویژه‌های دولت، ۲- کارگزاران و ویژگی‌های ایشان، و ۳- سازوکارها، نظامات و نهادها، به گونه‌ای باشد که تمامی این‌ها متناسب با نظریه‌های پیشین^۱ باشد. (ادبیات پیشنهادی: مطالعه آثار مرتبط با مفهوم امامت در اندیشه اسلامی، بررسی دیدگاه‌های حضرت امام خمینی (ره) و حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در خصوص ویژگی‌های دولت اسلامی، و تحلیل تطبیقی ساختار و کارکردهای دولت در نظام اسلامی با سایر نظام‌های سیاسی.)

۱. نظریه امت- و امامت (نظریه ولایت)؛ نظریه جامعه توحیدی؛ نظریه انسان مسئول؛ نظریه عقلانیت و حیانی و نظریه توحید

ب) پیشنهاد‌های کاربردی

۱. **اصلاح نظام آموزشی مدیریت دولتی:** با توجه به یافته‌های پژوهش، پیشنهاد می‌شود نظام آموزشی مدیریت دولتی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور مورد بازنگری قرار گیرد. در این بازنگری، باید ضمن توجه به مباحث روزآمد مدیریت دولتی، به تبیین مبانی و اصول مکتب مدیریت دولتی اسلامی و ارائه راهکارهای عملی برای پیاده‌سازی آن در نظام اداری کشور توجه ویژه‌ای شود. (اقدامات پیشنهادی: ایجاد رشته‌های تخصصی در حوزه مدیریت دولتی اسلامی، تدوین کتب درسی متناسب با این رشته‌ها، و برگزاری دوره‌های آموزشی کوتاه مدت برای مدیران دولتی).
۲. **طراحی “نظام تربیت مدیران تحول آفرین”:** با توجه به ضرورت تربیت مدیرانی با تفکر انقلابی و توانایی ایجاد تحول در نظام اداری، پیشنهاد می‌شود “نظام تربیت مدیران تحول آفرین” طراحی و اجرا شود. این نظام باید با بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی و انقلابی، مخصوصاً با ایجاد میدان برای جوانان مؤمن انقلابی، مدیرانی را تربیت کند که ضمن آشنایی با مبانی نظری مکتب مدیریت دولتی اسلامی، توانایی پیاده‌سازی آن در عمل را داشته باشند. (اقدامات پیشنهادی: ایجاد “مدرسه عالی مدیریت تحول” با هدف تربیت مدیران تراز انقلاب اسلامی، تدوین سرفصل‌های آموزشی متناسب با این هدف، و بهره‌گیری از اساتید مجرب و صاحب‌نظر در حوزه‌های حکمرانی، مدیریت دولتی، و اندیشه سیاسی).
۳. **ایجاد “سازمان‌های الگو” بر اساس مکتب مدیریت دولتی اسلامی:** به منظور نشان دادن کارآمدی و اثربخشی مکتب مدیریت دولتی اسلامی، پیشنهاد می‌شود چند “سازمان الگو” بر اساس این مکتب طراحی و ایجاد شود. این سازمان‌ها باید در حوزه‌های مختلف فعالیت کنند و با ارائه خدمات باکیفیت و مبتنی بر ارزش‌های اسلامی، به عنوان الگویی برای سایر سازمان‌ها عمل نمایند. (اقدامات پیشنهادی: انتخاب حوزه‌های اولویت‌دار برای ایجاد سازمان‌های الگو، تشکیل کارگروه‌های تخصصی برای طراحی ساختار و فرآیندهای این سازمان‌ها، و تخصیص منابع لازم برای راه‌اندازی و توسعه آن‌ها).

۴. توسعه فناوری‌های نرم انقلاب اسلامی "برای تحول در نظام اداری: با توجه

به نقش فناوری‌های نرم اجتماعی در ایجاد تحول در نظام اداری، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌ها و فعالیت‌های گسترده‌ای در این زمینه انجام شود. این فناوری‌ها باید با بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی و تجربیات موفق انقلاب اسلامی، به ارائه راهکارهای نوین برای بهبود عملکرد نظام اداری و افزایش رضایت مردم پردازند. (اقدامات پیشنهادی: ایجاد "مرکز نوآوری فناوری‌های نرم اجتماعی" با هدف توسعه و ترویج این فناوری‌ها، برگزاری دوره‌های آموزشی برای مدیران و کارکنان دولتی در خصوص نحوه استفاده از این فناوری‌ها، و حمایت از طرح‌های پژوهشی و نوآورانه در این زمینه).

۵. ایجاد "نهضت مردمی" برای اصلاح نظام اداری: با توجه به نقش مردم در نظام

اسلامی و اهمیت مشارکت آن‌ها در اداره امور کشور، پیشنهاد می‌شود "نهضت مردمی" اصلاح نظام اداری ایجاد شود. این نهضت باید با بهره‌گیری از ظرفیت‌های مردمی و حلقه‌های میانی این حوزه، به شناسایی مشکلات و ارائه راهکارهای عملی برای بهبود عملکرد نظام اداری پردازد. (اقدامات پیشنهادی: ایجاد "شبکه ملی اصلاح نظام اداری" با هدف هماهنگی و هم‌افزایی فعالیت‌های مردمی در این زمینه، برگزاری همایش‌ها و کارگاه‌های آموزشی برای فعالان مردمی، و ایجاد سازوکارهای ارتباطی بین مردم و مسئولان دولتی).

۶. بازطراحی ساختارهای سازمانی بر اساس "نظریه امت و امامت": با توجه به

اینکه ساختارهای سازمانی فعلی زاینده تفکرات غربی و مبتنی بر جدایی دولت از ملت هستند، پیشنهاد می‌شود ساختارهای سازمانی بر اساس "نظریه امت و امامت" بازطراحی شوند. این بازطراحی باید با هدف ایجاد ساختارهایی هماهنگ، منسجم، و پاسخگو به نیازهای مردم انجام شود. (اقدامات پیشنهادی: تشکیل "کمیته بازطراحی ساختارهای سازمانی" با حضور متخصصان مدیریت دولتی، علوم سیاسی، و اندیشه اسلامی، تدوین "الگوی ساختار سازمانی مبتنی بر نظریه امت و امامت"، و اجرای آزمایشی این الگو در چند سازمان دولتی).

پیشنهادات ارائه شده، تنها گامی در جهت تحقق مکتب مدیریت دولتی اسلامی است. امید است با تداوم پژوهش‌ها و تلاش‌های علمی و عملی، این مکتب به عنوان الگویی کارآمد و الهام‌بخش برای نظام‌های شصت و سه اداری در جوامع اسلامی مطرح گردد.

قدردانی

این مقاله برگرفته از رساله‌ی دکتری نویسنده در رشته‌ی مدیریت دولتی در دانشگاه امام صادق علیه‌السلام است. نویسنده مراتب سپاس و قدردانی خود را از حمایت‌های علمی و معنوی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، به ویژه اساتید گروه مدیریت دولتی، ابراز می‌دارد. بدیهی است مسئولیت هر گونه خطا یا کاستی در این پژوهش بر عهده‌ی نویسندگان است.

فهرست منابع

قرآن کریم

- ابن سینا، حسین بن عبدالله، (۱۴۰۴.ق.)، الشفاء، با اصلاحات ابراهیم بیومی مدکور. قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی (ره)
- اشیری، سعید، (۱۳۹۷): **گفتمان فرهنگ‌ساز: در اندیشه آیت الله خامنه‌ای**، کرمان: دانشگاه شهید باهنر.
- امام خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۵۳ الف)، **انسان ۲۵۰ ساله. حلقه سوم**. (منتشر شده در سال ۱۳۹۸). تهران: صهبا.
- امام خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۵۳ ب)، **شرح نهج البلاغه. منشور حکومت علوی**. (منتشر شده در سال ۱۳۹۸). تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- امام خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۵۳ ج)، **طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن**، [منتشر شده در سال ۱۳۹۲] تهران: صهبا.
- امام خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۵۶)، **روح توحید: نفی عبودیت غیر خدا**. (منتشر شده در سال ۱۳۹۴). قم: صهبا (گفتار، ۱۰).
- امام خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۹۱ م)، **ولایت و حکومت. مباحثی در میان حکومت الهی و شناخت چهره حاکمان و کارگزاران اسلامی**. چاپ دوم. قم: صهبا.
- امام خمینی، روح الله، (۱۳۸۲)، **تهذیب الاصول**. قم: اسماعیلیان.
- دانایی فرد، حسن، (۱۳۸۸)، **چالش های مدیریت دولتی در ایران**. تهران: سمت.
- دانایی فرد، حسن، (۱۳۹۵ الف)، **به سوی چارچوبی برای مطالعه مدیریت دولتی اسلامی بخش ۲. مضامین کلیدی و چارچوب پیشنهادی. اسلام و مدیریت ۱۰(۵)**. صص. ۱۳۷-۱۶۰.
- دانایی فرد، حسن، (۱۳۹۵ ب)، **روش شناسی مطالعات دلالت پژوهی در علوم اجتماعی و انسانی**. بنیان ها، تعاریف، اهمیت، رویکردها و مراحل اجرا. **روش شناسی علوم انسانی**، ۲۲، صص. ۳۹-۷۱.
- دانایی فرد، حسن، (۱۳۹۵ ج)، **نهیضت های مدیریتی در بخش دولتی**. تهران: سمت.
- رهنورد، فرج اله، (۱۳۸۹): **الگوی مدیریت دولتی برای تحقق حاکمیت تراز چشم انداز ۱۴۰۴. همایش ملی حاکمیت و دولت شایسته در ایران ۱۴۰۴**. شهر ری: دانشگاه آزاد واحد شهر ری.
- سالارزهی، حبیب الله؛ ابراهیم پور، حبیب، (۱۳۹۱)، **بررسی سیر تحول در پارادایم های مدیریت دولتی**. از پارادایم مدیریت دولتی سنتی تا پارادایم حکمرانی خوب. **مدیریت دولتی (دانشگاه تهران)** ۹(۴)، صص. ۴۳-۶۲.
- سیدطباطبایی، سیدمهدی، (۱۴۰۰)، **واکاوی ابعاد و مؤلفه های مکتب مدیریت دولتی اسلامی: برپایه اندیشه حضرت امام خامنه‌ای مدظله العالی**، رساله دکتری، اساتید راهنما میثم لطیفی و مرتضی جوانعلی آذر، دانشگاه امام صادق علیه السلام، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت.
- صدر، سید محمدباقر، (۱۴۲۱.ق.)، **الاسلام يقود الحياة**. قم: مرکز الأبحاث و الدراسات التخصصية للشهيد الصدر

مطهری، مرتضی، (۱۳۷۶)، مجموعه آثار استاد شهید مطهری. تهران: صدرا.
 نرگسیان، عباس: (۱۳۸۷) نگاهی به سیر تطور مدیریت دولتی. مدیریت فرهنگ سازمانی. ۱۷(۶)، صص. ۱۵۷-۱۹۸.

- Braun, Virginia; Clarke, Victoria (2006): Using thematic analysis in psychology. In *Qualitative research in psychology* 3 (2), pp. 77–101. DOI: 10.1191/1478088706qp063oa.
- Denhardt, Robert B.; Denhardt, Janet Vinzant (2009): **Public administration**. An action orientation. 6th ed. Belmont CA: Thomson/Wadsworth.
- Hatch, Mary Jo (2018): **Organization theory. Modern, symbolic, and postmodern perspectives** Fourth edition. Oxford: Oxford University Press.
- Hood, Christopher (2000): Paradoxes of public-sector managerialism, old public management and public service bargains. In *International public management journal* 3 (1), pp. 1–22. DOI: 10.1016/S1096-7494(00)00032-5.
- Kettl, Donald F.; Fesler, James W. (2009): **The politics of the administrative process**. 4th ed. Washington DC: CQ Press.
- McKinney, Jerome B.; Howard, Lawrence C. (1998): **Public administration**. Balancing power and accountability / Jerome B. McKinney and Lawrence C. Howard. 2nd ed. Westport, Conn., London: Praeger.
- O'Flynn, Janine (2007): From New Public Management to Public Value. Paradigmatic Change and Managerial Implications. In *Australian journal of public administration* 66 (3), pp. 353–366. DOI: 10.1111/j.1467-8500.2007.00545.x.
- Peters, B. Guy (2003): The changing nature of public administration. From easy answers to hard questions. In *Public policy and administration* 1 (5), pp. 7–20.
- Rabin, Jack; Hildreth, W. Bartley; Miller, Gerald (2007): **Handbook of public administration**. 3rd ed. Boca Raton: CRC/Taylor & Francis (Public administration and public policy, 124).
- Shafritz, Jay M.; Ott, J. Steven; Jang, Yong Suk (2016a): **Classics of organization theory**. Eighth edition Australia: Cengage Learning.
- Shafritz, Jay M.; Russell, E. W.; Borick, Christopher P.; Hyde, Albert C. (2016b): **Introducing public administration**. Ninth edition. London: Routledge.
- United Nations-Economic and Social Council (2006): **Definition of basic concepts and terminologies in governance and public administration**.

